

ثانیاً مذاکره در پیشنهاد آقای ارباب
کیخسرو راجع به تبدیل تاریخ جشن مشروطیت
از قمری به شمسی

وزیر عدلیه - قبل از آنکه مجلس
ختم شود اجازه می خواهم قانون ثبت اسناد
را که چندی قبل تقدیم مجلس شورای ملی
کرده بودم و بعد برای مختصر تجدید
نظری مسترد داشته بودم ثانیاً تقدیم
مجلس کنم

(با آقای نایب رئیس تسلیم نمودند)
نایب رئیس - یک لایحه قانونی
هم راجع به مالیات کتیرا رسیده است فرستاده
میشود بکمسیون عرایض مالبه و همچنین
پیشنهادی رسیده است راجع به تجدید کنترات
مسبو استاس بلژیکی مأمور گمرک به
کمسیون مربوطه فرستاده میشود ولایحه
قانون ثبت اسناد هم بکمسیون عدلیه
مراجعه میشود

رکن الملک - روز جلسه را معین
بفرمائید

نایب رئیس - اگر آقایان موافق
باشند فردا باشد

(بعضی گفتند خیر - روز شنبه باشد)
نایب رئیس - روز شنبه دو ساعت
بغروب مانده مخالفی نیست

(اظهاری نشد)
(مجلس تقریباً سه ساعت از شب گذشته
ختم شد)

مؤتمن الملک
جلسه ۷۴
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه ششم حوت
۱۳۰۰ مطابق ۲۷ جمادی
الثانی ۱۳۴۰

مجلس یک ساعت قبل از غروب ریاست
آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم چهارشنبه سوم
حوت را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقایان نسبت به صورت مجلس
اظهاری دارند یا نه

(اظهاری نشد)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای مدرس راجع به مسئله است
مدرس - راجع به دستوریه که
معین شده

رئیس - اسامی که سابقاً آقایان
اجازه خواسته اند و نوشته شده و محفوظ
مانده است

مدرس - اجازه بنده هم لابد
محفوظ است

رئیس - تغییر فقره چهارم از ماده
۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه مطرح است
آقای مدرس (اجازه)

مدرس - گرچه تغییر ماده چهارم
است و مانعی هم نیست لیکن تجربه شده هر

وقتی که آقای رئیس تشریف ندارند بعضی
صحت های خارج از موضوع در مجلس
میشود که اینک در جلسه گذشته هم خارج از
موضوع بعضی صحبت ها شد آن صحبت ها که شد
اگر همین قسم بگذاریم باشد قدری ضرر
دارد لهذا با اجازه یک چند کلمه متعلق
بآن خارج از موضوعات مجبورم عرض
کنم ...

رئیس - راجع به مسئله است
مدرس - راجع به خارج از موضوعاتی
است که در جلسه سابق صحبت شد چون
موضوع مذاکره تغییر فقره چهارم ۱۴۷
بوده مذاکرات مجلس از تغییر این فقره
بیرون رفت چنانچه همان مطالب که در
صورت مجلس خوانده شد در جمله اینک
این قوانین قانونیت ندارد لذا دو کلمه باید
عرض کنم

رئیس - آن مسائل خارج از موضوع
نه بود چون بعضیها گفتند این فرع بر یک
اصلی است و داخل در اصل شدند حالا هم
سرکارا اگر میخواهند در اصل مسئله حرف
بزنید خارج از موضوع نخواهد بود

مدرس - بنده عرض می کنم
قانون باید در جاتی دارا باشد تا قانونیت کامل
شود که یکی از آن درجات مجلس شورای
ملی است و یکی کمسیون است و یکی مجلس
سنا است و یکی امضای پادشاه است و تمام
آنها هم در صورتی است که مخالف با مذهب
نباشد (گفته شد صحیح است) این قانون
معا کما حق تعالی با اجازه مجلس در کمسیون
مطرح شد اشخاصی هم بودند نظریاتی هم
کردند ملاحظه عدم مخالفتی هم باشرع شده
است لهذا مجلس تشکیل داده شدند
مذاکراتی شد و با امضای نایب السلطنه
آروز هم رسیده است و تمام بدبختی این
شد که باین قانون عمل نشد یک شخص عامی
نشسته بود یک شخص باسوادی قرآن می
خواند خواند (ان فرعون ملافی الارض) آن
عامی گفت عجب اسم فرعون را نوی قرآن
نوشته اند آن ورق را باره کرد و انداخت
نوی بخاری و گفت اسم فرعون نوی قرآن
نباید باشد فرض این است که بموادیکه
نوشته شده عمل نشد و این محظورات تولید
شد فقط باین معاکمات حقوقی دوسال که
در تحت نظر آقای مشیرالدوله بود عمل شد و هر
کس باین وزارت خانه وارد شد از درش وارد
شد و هر کس هم که باید خارج شود از دری
که باید خارج شود خارج شد ولی در هشت
۹ سال دیگر این وزارت خانه که محل صیانت
اعتراض و اموال و نفوس مردم است هر چه
مرج گذشت یعنی هر روزی که آمد چند
نفر از بستگان خود را آورد و داخل کرد
و چند نفر را بیرون کرد لهذا حال عدلیه
باین جا رسیده است که همه می دانید واقعا
اسباب زحمت مردم شده و مسئله امتحان

در وقتی که این قانون نوشته میشد پیش بینی
شد و در این فقره رابع نوشته شده دادن
امتحان علمی و عملی علم یعنی چه یعنی
معلومات از شما می خواهند وقتی شما
بیک طبیبی مثلا رجوع میکنید این طبیب
باید معلومات داشته باشد که در دریا بشناسد
و در راه بداند همینطور هر کس در عدلیه
نشسته است باید معلومات حقوقی و شرعی
و غیره را بداند و هر چه را نداند باید کتاب
را باز کند و رفتار کند و بداند که چه میکند
پیش طبیب هم که می رویم کتابش را باز
و در دمان را می فهمد و در راه هم مطابق
مرض می دهد همین طور اشخاصی که میخواهند
بعدلیه وارد شوند باید علوم که محل
احتیاج این وزارت خانه است بدانند و کتب
فقهی و حقوقی که ما محتاج هستیم در روی
مبزش باشد که هر مسئله که اتفاق می افتد
و نتوانست بفهمد از آن رو عمل کند ولی
اشخاصیکه در این هفت هشت سال بدون
مراعات اینک علم داشته باشند وارد این
وزارت خانه گردیدند و اموال و اراض
مردم حفظ نشد و در این هفت هشت سال یک
اشخاص بهرج و مرج بدون امتحان وارد
شدند اینجا که وزارت داخله نیست که
فلانکس را از پشت کوه بیاورند و والی
فلان شهر کنند اگر چه آنهم بی ترتیب
است لیکن عدلیه مایه و حقیقتش علم است
باید احکام شرعی و حقوقی را بداند نادر
عدلیه بنشیند بنده نمی گویم مجتهد باشد
زیرا که مثلا قضاوت در کار نیست عمل
کردن بعلم است از باب امر معروف و نهی
از منکر هستند عدلیه ما اقرار است و علم
سابق بر این یک حاکمی که یک سندی پیش او
میبردند و میگفتند از فلان شخص طلب دارم
میفرستاد طرف را می آورد به چوب می بست که
فلان مبلغ را مطابق این سند باید بدهی بعد که
مشروطه شد آمدیم این مسئله را اداری
کردیم گفتیم یک محکمه ابتدائی و یک
محکمه استینافی و یک تمیز باشد که هفت نفر
علم پیدا کنند که این شخص مدیون است
و مثل سابق نباشد که بزور و قوت از او بگیرند
و این مسئله مربوط بقضاوت نیست مسئله
قضاوت هم پیش بینی شده است که چه
اشخاصی باشند پیغمبر یا امام یا مؤمن
(امتحان الله قلبه الايمان) غیر از این سه نفر
کس دیگر قابل نیست که قاضی باشد ولی
کدخدای یک ده وقتی شخصی نزد او میرود
و میگوید فلانکس صد تومان مال من را
برده است از باب امر معروف و نهی از منکر
میگیرد و می دهد این دخلی بقضاوت ندارد
قضاوت محتاج به شاهد است و وظیفه
پیغمبر و امام (مؤمن امتحان الله) و عمل بعلم
است و باید معلومات داشته باشد که هر
مسئله را بداند یا اگر نداند کتب فقه را
باز کرده و بفهمد که این مسئله حکمش چیست

در اینماده نوشته شده علم و عمل تا کسی
وارد عدلیه نشود که عمل ندارد پس عمل
یعنی اخلاق و صفات پسندیده مناسب با
آن وزارت خانه را دارا باشد تا وقتی که
وارد عمل شد عملیاتش معلوم شود باین
لحاظ گفتیم این وزارت خانه یک وزارت خانه
است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند
و اگر روزی آمد و گفت فلان تو چراری
این صندلی نشسته ای بگوید علم و عمل من
مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود
اورا برداشت زیرا اگر مقامش متزلزل
باشد نمی تواند بر طبق عقیده اش حکم کند
و متکی بعلم و عملش باشد و بگوید علم
من مرا روی این صندلی نشانده نه نصر الملک
نه آقای مشیر الدوله نه فلانکس برای
اینکه وقتی علم و عمل او را روی صندلی
نشانده آنوقت دیگر فلان شخص نمی تواند
باو بگوید باید تابع اراده من باشی و
آزادانه میتواند حکم کند باین لحاظ
آن زمانی که در کمسیون عدلیه بودیم و
همچنین آقای رئیس الوزرا هم تشریف داشتند
چون مدرسه که کامل باشد نداشتیم و
مدارس قدیمه مان هم مرتب نبود که یک
پروگرام منظمی داشته باشد و در مدارس
جدیدمان هم اینگونه دروس نبود لهذا
چاره ندیدیم غیر از اینکه امتحان را بمیان
آوریم و یک مقداری هم در زمان آقای
مشیرالدوله عمل شد و گمان میکردیم عدلیه ما
خیلی ترقی کرده بعد که اشخاص دیگر آمدند
و دیدند مصلحت نیست هر کدام چهار نفر
داخل کردند و چهار نفر را خارج تا اینکه
این وزارت خانه که محل صیانت اراض و
اموال مردم است بطوریکه می بینید باین
روز کار افتاده پس بناء علیهذا عقیده بنده
این است که این ماده اشکالی ندارد و اجمالی
هم ندارد یک مطلبی است که قیاساتها
معاملاتی یک مدرسه حقوق در این جا استثنا
شده آنرا هم اهل علم می فهمند این مدرسه
حقوق مدرسه حقوقی است که ببرد عدلیه
مانعی خورد بلکه ببرد عدلیه آن حقوقی
خواهد خورد که احقاق حق مردم را بکند
البته هر وقت یک همچو پروگرامی که
بتواند حقوق مردم را حفظ کند از برای
مدرسه حقوق نوشته و پیشنهاد مجلس
شورای ملی کردند و مجلس رای داد دیگر
امتحان لازم ندارد لیکن چون هنوز نوشته
نشده لهذا بنده یک پیشنهادی کرده ام
آقایان هم پیشنهاد کرده اند که مواد از ماده
۱۴۷ این است و اجمال و اشکالی هم برای
اهل خبره قانون ندارد دیگر عرضی
ندارم

رئیس الوزرا - لایحه تشکیلات
مالیه است که بنا بود بمجلس شورای ملی
تقدیم شود بودجه هیئت وزراء هم در حدود
اعتباریکه از طرف مجلس شورای ملی تصویب

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

ندارم

شد حاضر است تقدیم میشود بودجه وزارت داخله هم حاضر شده در جلسه دیگر تقدیم میشود

لایحه تشکیلات مالی و بودجه هیئت وزراء را آقای رئیس تسلیم نمودند
رئیس - ارسال میشود بکمسیون های مربوطه آقای زنجانی (اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون
دوروز است در این خصوص مذاکراتی جریان پیدا نموده که شاید بعضی مسائل مشتبه شده اولاً مذاکره شد در اینکه هرگاه در مجلس رای داده شد که فلان لایحه مثل لایحه مصدق السلطنه بموقع اجرا گذارده شود یا فلان وزیر آنچه در ذهنش است آن را عمل کند و در یک مدتی آزمایش کند آیا این قانون میشود یا نه یا فرضاً یک کتاب کلفتی نوشتند و آوردند این اجازه داده شد با آن عمل کنند آیا قانون میشود یا خیر ؟ یا اینکه ماده ماده از کمیسیون گذشت آیا قانون میشود بمقتضای بنده غیر قانون نمی شود و هنوز شك دارم که آیا مجلس شورای ملی همچو حق را دارد یا نه ؟

چنانچه در موضوع لایحه مصدق السلطنه هم گفتیم مجلس این حق را ندارد زیرا قانون آن چیز نیست که بمجلس پیشنهاد شود بکمسیون ارسال شود و در کمیسیون تجدید نظر شود و در مجلس دوشور در آن بشود و رای گرفته شود آن وقت اگر تصویب شد اسم او را قانون میگنایند و معمول به میشود و میگویند این قانون به کمیسیون رفته و دوشور هم در او شده و درجات خود را طی کرده و قانونیت دارد و معمول به باید بشود بآن عمل شود ولی یک موادی که میخواهند یک مدت تجربه بشود به بیند خوب است یا خیر و بعد بمجلس بیاورید و حک و اصلاح بنمائید و بتصویب برسد یک چیزی است که یک مدتی معمول به است و گمان می کنم کسی در این قسمت حرف نداشته باشد و گویا مقصود آقایان هم همین است که این مواد موقتی معمول بشود تا بعد بیاید بمجلس و قانونی شود بنده تصور میکنم در این قسمت هم آقایان موافق هستند و بعد از این هم نباید در این قسمت گفتگو کرد زیرا ممکن است بعد از این هم یک روز یک وزیری بیاید و بگویند من یک قانون نوشته ام بمجلس اجازه بدهد تا آن را آزمایش کنم و مجلس هم اجازه بدهد ولی قانون نیست بنا بر این آنچه هم که از کمیسیون گذشته و مجلس رای داده معمول به بشود قانون نیست برای اینکه قانون رسمی شرطش این است که ماده بماده در مجلس مذاکره شود و در آن دوشور بشود راجع بامتحان عدلیه هم البته باید

هر کس میخواهد مستخدم باشد باید امتحان بدهد نه تنها در عدلیه بلکه در تمام ادارات دولتی کسانی که می خواهند داخل شوند باید امتحان بدهند چنانچه در آن قانونی هم که راجع با استخدام چند نفر پیشنهاد کرده ایم نوشته شده است که کلیه مستخدمین هر کس در شغل خودش باید امتحان بدهد مگر اینکه امتحان داده باشد و تصدیق رسمی در دست داشته باشد مثلاً اگر یک معاسب لازم داشته باشیم و در مدرسه درس حساب را خوانده و تصدیق نامه هم در دست داشته باشد دیگر لازم نیست از او امتحان شود وقتی که امتحان داده باو هم حرف دارید ؟ بمقتضای بنده خیر همان تصدیق او کافی است ولی مشروط بر اینکه مطابقه بکند با آن پرگرام که میخواهیم از او امتحان کنیم و بقول آقای نصرت الدوله دکتر ایندروا چون در ایران دکتر ایندروا پیدا نمی شود پس باید قضاوت هم نشود و بماند تا وقتی که دکتر ایندروا پیدا شود خیر اینطور نیست همین را که داریم باید عملاً و علماً امتحان کنیم این را عرض میکنم که بعضی اشتباه میکنند که میگویند قضاوت فلان شرط را باید دارا باشند این مسئله راجع بقضاوت شرعیه نیست علاوه آنهایی هم که میخواهند قضاوت شرعیه کنند باید دیپلم داشته باشند یعنی از استاد خود باید اجازه داشته باشند و استاد تصدیق کرده باشد که این شخص مجتهد جامع الشرایط است و اگر تصدیق نکنند مردم قبول نمیکند که داخل در امور شود سایرین هم همین رویه را تعقیب کرده اند یعنی بفارغ التحصیل های خودشان در هر رشته دیپلم میدهند که این شخص در این علم مجتهد شده و اجازه میدهند که می تواند فلان کار را بکند و در هر جا که می رود اگر بخواهد کار بکند دیپلم خود را ارائه میدهد و میدانند که معلومات او در فلان رشته کافی است و لازم نیست مجدداً امتحان شود.

بنده باین قضیه خیلی اهمیت میدهم و برای استحضار خاطر همه آقایان عرض میکنم مملکت آنوقت ترقی میکند که همه چیزش بر روی دیپلم باشد ممالک خارجی ترقی نکرده اند مگر وقتی که گفتند طبیب طبیب نمیشود جز اینکه دیپلم داشته باشد بقال بقال نیست مگر با دیپلم هنوز زارع و تاجر تا دیپلم در دست نداشته باشد نمیتواند تجارت بکند باید دیپلم داشته باشد که معلوم باشد علم تجارت را میداند و دفتر او را دولت ورق ورق امضا میکند و در آن دفتر مینویسد این دفتر دارای چند ورق است که یاره نکند و آخر او را دولت مهر میکند و ثبت میکند آنوقت این شخص با دیپلم و عالم بعلم تجارت بآن دفتر ممضای

بامضای دولت می تواند تجارت بکند پس وقتی این مملکت میتواند ترقی کند که مستخدمین در تمام چیزهایش بر روی دیپلم باشد و آنهایی که استاد هر فنی هستند و باید دیپلم داشته باشند و بهر کاری که میخواهند داخل شوند باید دیپلم خود را ارائه دهند که در او نوشته شده باشد ما این شخص را امتحان کردیم و این معلومات را دارد و مقامات رسمی هم آن را امضاء کرده باشند.

در این صورت دیگر محتاج به تجدید امتحان نیست ولی آنوقت که داخل در اداره میشوند مدتی باید در زیر دست استادان کار مجانی کنند دو سال سه سال ماه هر کدام بفرماور حال خودشان آنوقت پس از طی خدمت مجانی داخل در مستخدمین رسمی میشوند و وقتی که رسمی شدند اول با دنی درجه وارد میشوند یعنی ثبات بعد منشی بعد از چند سال که خدمت کرد عضو یک محکمه ابتدائی میشود چند سال دیگر که کار کرد داخل استیفاء میشود در غیر عدلیه هم همینطور است اول ثبات و ضابط میشود بعد از چند سال منشی اول بعد معارف کابینه بعد رئیس کابینه میشود و مدتها کار میکند تا مثلاً فلان معاون وزیر میشود و بعد کم کم بمقام وزارت میرسد نظام هم همین طور است باید کار کند تا رفته رفته بمقامات عالییه برسد اول تابین است بعد کم کم نایب و سلطان و سرهنگ و سرتیپ و ژنرال و کلنل همین طور تا سردار شود بنده قانون عثمانی را ترجمه کرده ام سه درجه برای امتحان قرار داده اند مثل ما نیست که در کوچه بکنفر را بردارند و بیاورند سر کار.

قانون عثمانی برای اگر دان مدارس سه درجه امتحان قرار داده یکی برای شغل های اولیه مثل ثباتی و ضابطی و منشیگری وقتی که امتحان دادند داخل کار میشوند و مدتی هم باید مجانی کار کنند تا رسمی بشوند درجه دوم متوسطه است آنها هم امتحاناتی دارند برای ریاست اداره و غیره امتحان آنها غیر از امتحان ثبات و ضابط است و بعد از گرفتن دیپلم داخل وزارتخانه ها میشوند و دیگر وزارتخانه از او امتحان نمی کنند چون همان علوم معمول به وزارتخانه را در مدرسه متوسطه خوانده اند و لازم به تجدید امتحان نیست و نمی گویند باید تو دومرتبه امتحان بدهی و میگویند همان علوم که شما میخواهید مطابق دیپلم رسمی که دارم مطابقه بکنید دیگر چه امتحانی میخواهید و دو مرتبه چه میگویند دیگر کسی باو نمیگویند در عدلیه باید امتحان بدهی من عدلیه را گذاشتم زمین سایر وزارتخانه ها هم همین طور است تمام باید امتحان بدهند و درجات علمی و عملی خود را ابراز نمایند مگر اینکه امتحان داده

باشند و از وزارت معارف تصدیق در دست داشته باشند دیگر کسی نمیتواند منکر شود کسی از فلان مدرسه تصدیق گرفته و در مدرسه که آن علوم را درس داده اند که محتاج آلیه فلان وزارتخانه است و معلمین او کاملاً اخلاق و هوش و ذکاوت او را امتحان کرده اند در اطاق اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم او را امتحان کرده اند و باز هم در آخر که فارغ التحصیل میشود او را امتحان میکنند آنوقت اگر معلمین جمع شوند و باین شخص تصدیق نامه بدهند و مهر و امضای مقامات رسمی را هم داشته باشد دیگر وقتی او را میخواهند بر سر کار بیاورند مجدداً چند نفر را که بی سابقه باشند از خارج نمی آورند از او امتحان کنند این شخص ممکن است در موقع امتحان مضطرب شود و نتواند جواب بدهد ورد شود اما امتحاناتی که در مدرسه داده محققاً بهتر بوده است شك هم ندارد بنده هم گمان نمی کنم کسی در این تأملی داشته باشد ما میگوئیم وزیر عدلیه تمام مستخدمین را بیاورد امتحان کند و اگر معل داشته باشد هر کسی حق دارد تقاضا بکند که من لیاقت دارم و امتحان میدهم ولی کسی که امتحان داده مستثنا است حالا بچه امتحان بدهد ؟ ما میگوئیم اگر آن مواد امتحان مطابق با دیپلم و تحصیلات ما است که مستثنی هستیم و اگر نه باید مازادش را امتحان بدهیم و امتحان میدهم حالا اسم آن مدرسه حقوق باشد یا سیاسی فرق نمیکند مثلاً اسم مدرسه فضیلت باشد یا مدرسه کمال باشد هر چه میخواهد باشد مقصود تحصیلات است پس ما باید بگوئیم نه چون اسمش مدرسه حقوق نیست قبول نداریم باید امتحان بدهید عقیده بنده این است که مطابق تصدیق نامه و دیپلم او باید رفتار شود و من خیلی اهمیت بدیپلمها میدهم چون من بعد باید مملکت ما بروی دیپلم اداره شود اگر این دیپلم را از بین ببریم تحصیل و معارف را از بین برده ایم چند سال قبل آقای مشیرالدوله يك مدرسه تشکیل داده اند تا بحال چقدر ها پول خرج آن شده و يك شاگرد که داخل آنجا میشود تا وقتی که خارج میشود چقدر ها مخارج دارد این مدرسه هر سال چندین هزار تومان خرج دارد و معلمین فاضل و کامل آنجا آورده اند بنده خودم يك اندك زمانی آنجا رفته ام چون آقای حاج میرزا علی محمد حکمی که حقیقه مرد بزرگوار است در آنجا فقه میگویند و چند روزی ناخوش بودند خواهش کردند من رفتم آنجا در اطاق سوم تبصره علامه میخواندند درس آنها را میگفتم کلاس چهارم و پنجم شرایع می خواندند قصاص دیانت میخواندند و از

من تقاضا کردند که آنرا ماده بماده فارسی کنم شاگردان کامل با هوش در آنجا بودند در کلاس اول و دوم جامع عباسی و کلاس سوم تبصره علامه و چهارم و پنجم شرایع میخواندند علم حقوق را مثل ذکاءالملک شخصی تدریس میکنند علم حقوق اصول معاکمات حقوقی و جزائی و اساسی و علم ثروت و این حقوقی که معروف است همرا میداند و مانند آقای اعتمادالملک و منصور السلطنه و انتظامالملک آنجا درس میدهند مخصوصاً کسانی که در مدرسه سیاسی درس خواندهاند و الان هم در مدرسه حقوق میروند پیش من آمدند و گفتند والا استفاده ما از مدرسه سیاسی در علم حقوق بیشتر است از این حقوقیکه در اینجا گفته می شود فقط آنجا حقوقشان مثل دیگته گفته میشود آن هم فرانسه است و ما هم چون فرانسه میدانیم آنجا میرویم که فرانسه ما کامل شود والا از مدرسه سیاسی ما بهتر استفاده می کردیم و خودشان هم تصدیق دارند با همه این ها مدرسه سیاسی بیچاره سالی شش هزار تومان بودجه دارد مدرسه حقوق سالی ۲۲ یا ۲۳ هزار تومان و حال آنکه نتیجه را نمیدانم من لازم میدانم مدرسه حقوق را بمدرسه سیاسی منضم کنند که يك شعبه حقوق باشد و يك شعبه هم علوم دیگر و شاگردان مدرسه حقوق هم بروند در مدرسه سیاسی که علاوه بر حقوق مطالب دیگر هم بخوانند خوب در صورتیکه ما این دیپلم را قبول نکردیم آنوقت دارالفنون چه اهمیت دارد مثلاً شاگردان مدارس ابتدائی شش ساله که امتحان داده و دیپلم گرفته اند بچه دلائل آنها را در مدرسه متوسطه بدون امتحان قبول می کنند لابد بواسطه دیپلمش که نوشته است قابلیت دارد بمدرسه متوسطه داخل شود و قبول میشود و از آنجا هم تصدیق میکرد و میروید کلاس بالاتر پس ما باید بکوشیم چون این امتحان کافی نیست تصدیق او را قبول نداریم و نمی شود تا کی نمی شود تا قیامت همینطور کلاس هشتم و نهم و صدم نمی شود و باید امتحان ثانوی بدهد خیر اینطور نیست اطاق هشتم برای خود و اطاق هشتم و نهم مدارس متوسطه و عالی هر کدام برای خود يك تصدیق نامه دارند و مقامات رسمی هم امضاء نمودند آنوقت بچه دلائل قبول نمیکند علاوه بر صحبت راجع بشریات و قاضی نیست قاضی شرعی همان است که عرض کردم مثلاً سابق کسانی که حرف داشتند میرفتند پیش مجتهد از آقا يك حکمی یا سندی یا اجتهادی میگرفتند آنوقت چه میکردند میرفتند پیش حاکم حاکم مدلول حکم را میدید چه چیز است و اجرا میکرد از این یا از آن پول میگرفت اجرا میکرد ولی حالا قانونی شده است

مثلاً اگر کسی بیرون عدلیه بگوید از فلانکس طلب دارم میگویند سند و تمسک توجیهست سندش را که ارائه داد مرتب بجزایان میاندازند اول احضاریه میفرستند که طرف فردا نیگوید مرا خبر نکردند آیا این بهتر است یا حاکم آدم بفرستد و بگوید اگر نیائی پدرت را می سوزانم و چه میکنم این بهتر است یا احضاریه بفرستد و طرف امضاء کند و هر چه گفتگو شد مطابق قانون ثبت کنند و خودش هم امضاء کند یا اینکه راجع بفلان مطلب بروند پیش حاکم حاکم بگوید چه میگویی میگویید دادنی نیستم این هم کاغذ من آنوقت فردا حاکم میگویید اینطور نیست چرا؟ برای اینکه شب حاکم را دیده اند آیا این بهتر است یا اینکه فلانکسی که تحصیل کرده و اصول معاکمات حقوقی را بفهمد بگوید که به جریانات امور چه طور رسیدگی کند یا چه طور استنتاج کند و اسناد را چه طور ثبت کند آقای مشیرالدوله يك وقت وزیر عدلیه بودند بنده هم در کمیسیون عدلیه عضو بودم فرمودند میخواستیم عدلیه را منحل کنیم يك فکری بکنید ما هم يك پیشنهادی کردیم که چون شکایت از عدلیه زیاد رسیده است چند نفر انتخاب بشود بروند ببینند شکایت از عدلیه چه چیز است ما هم رقیب رسیدگی کردیم ولی حالا که که چیزی گفته نشده این چه اعتراضی است میگویند فلان آقا که از مدرسه تصدیق دارد نمیتواند قاضی شود ما هم نمیکوئیم قاضی شود میگوئیم باید جریانات امور را بفهمد فرضاً يك نفر صد تا حکم وسند از فلان و فلان دارد و دیگری از یک نفر دیگر آيا آنها آدم نمیشواعتند که تشخیص بدهد که این اسناد کدام وارد هست کدام حق هست کدام باطل ببینید آیا حق با این است یا با آن و کداميك از این اسناد جعلی است و کدام حقیقی آیا این چیزها را هم فلان آقا باید تشخیص بدهد و رسیدگی بکند اگر يك قدری دقت بشود معنی ماده هم همین است که کسانی که در عدلیه هستند باستانهای کسانی که در يك مدرسه رسمی همان مطالب و علوم را امتحان داده باشند و تصدیق نامه داشته باشند باید امتحان بدهند دیگر ما نمی توانیم بگوئیم خیر چون اسم فلان مدرسه حقوق نیست و سیاسی است قبول نمیکوئیم و باید مجدداً امتحان بدهند خیر اینطور نیست اسم هر چه میخواهد باشد مقصود تحصیلات است مطابق با پروگرام امتحان عدلیه اگر چنانچه مطابقت کرد که امتحان لازم نیست و اگر مطابقت نکرد آن وقت باید امتحان بدهند و دیگر نباید بگوئیم چون اسم این مدرسه حقوق نیست باید امتحان بدهند و بالاخره بنده از برای این ماده تغییر لازم نمیدانم و فقط يك قدری

اگر تأمل شود هر عاقلی مقصود را میداند
رئیس — آقای تدین
(اجازه)

تدین — اصل ۷۱ متمم قانون اساسی اینطور میگویید (دیوان عدالت عظمی و معاکم عدلیه مرجع رسمی نظامات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرائط است) در قانون عدلیه هم معاکم را با دو قسم منقسم کرده است معاکم عرفی و معاکم شرعی و معین نموده است که قضاوت در امور شرعیه باید بمعاضد شرع رجوع شود و رسیدگی با امور عرفیه در عدلیه باید باشد بنا بر این معاضد شرع و قضات شرعی بهیچ وجه محل بحث ما نیست زیرا قانون عدلیه برای معاکم شرعیه و معاضد نوشته نشده مقصود معاکم عرف است و این جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه که دجالاً مطرح بحث است موضوع امتحان امضاء عدلیه است تصور می کنیم این موضوع بدیهی است و محتاج بمذاکره هم نیست البته کسی نمیتواند معتقد شود که جاهل مراغه کند هیچ کسی عقیده ندارد اموال و اهراس مسلمین و با يك ملتی را بدست یکمده جاهل بسیار و این خیلی ساده است بنا بر این موافق مقررات قانونی اشخاصیکه بمضویت عدلیه پذیرفته میشوند باید دارای شرایط قانونی باشند یکی از آن شرایط این است که دارای معلومات کافی باشند برای اینکه فهمیده شود که این عضو جدید آورد یا عضویکه تقاضای ورود میکند دارای شرایط و معلومات معینه است یا خیر

جز چهارم ماده ۱۴۷ میگویید اعضائیکه بخواهند در عدلیه پذیرفته شوند باید امتحان علمی و عملی بدهند بنا بر این تصور میکنم کسی منکر این اصل نباشد که همه باید امتحان بدهند بلا استثناء (گفته شد صحیح است) ولی موضوع بحث این است که يك نظامنامه از طرف یکی از وزراء عدلیه در سنه ۱۳۳۲ نوشته شده است در آنجا برای اعضائی که میخواهند در عدلیه داخل شوند شرایطی معین کرده و مواد الحاقیه معین نموده است حالا اگر بنا شد در يك محل دیگری غیر از مدرسه حقوق که رسمی هم باشد يك شخص تحصیل کرده باشد و دولت هم دیپلم او را تصدیق کرده باشد در همان موادیکه در این نظامنامه مطرح است تحصیل نموده باشد آیا باز محتاج است که دومرتبه از او امتحان شود (بعضی گفتند خیر) من نمیکویم شاگرد مدرسه سیاسی امتحان ندهد بنده میگویم شاگرد سیاسی و دارالفنون و غیره همه باید امتحان بدهند اما دومرتبه و سه مرتبه نباید امتحان بدهند در ماده ۱۳ در نظامنامه امتحانات عدلیه همین نظامنامه که الان قرائت می کنم که در ۲۳

ذیقده ۱۳۳۲ یک نفر از وزرای عدلیه تهیه کرده میگویید (کسانی که داوطلب مقام ریاست و عضویت معاکم و یار که او مدیران و رؤسای ادارات کابینه و امور عدلیه و اجزای ثبت اسناد هستند باید کتباً و شفاهاً امتحان بدهند که مواد آن از قرار ذیل خواهد بود.

۱ — ادبیات فارسی و عربی (مقدار درجه اش معلوم نیست)

۲ — رؤس مسائل فقهیه مبتلا بها از معاملات و قضا و شهادات حدود و دیانت

۳ — قوانین موضوعه مملکتی

بالاختصاص قانون اساسی و قانون مطبوعات و قانون ثبت اسناد و قوانین عدلیه از تشکیلات و معاکمات حقوقی و جزائی و سؤال از فلسفه

آنها و قوانین دیگری که بعد ها تهیه میشود این نظامنامه هم بطور کلی ادبیات

فارسی و عربی و رؤس مسائل فقهیه مبتلا

به را از قبیل معاملات فضا شهادات و

حدودیات و قوانین موضوعه مملکتی تصریح

میکند حالا میخواهم تحصیلاتی که آنرا شد

سیاسی میشود و کیفیت تحصیلات آنرا

بعرض آقایان برسانم مدرسه سیاسی دارای

۵ کلاس است که پنج سال مدت تحصیلات

آن هشت سال با اصطلاح خودشان مقدماتی

و دو سال مؤخراتی و با اصطلاح بنده ۳

سال متوسطه و دو سال عالی اولاً شرایطی

در نظامنامه مدرسه سیاسی برای شاگردانی

لامیغه اندوخته اند بخواهند معین کرده یکی

ممکن است که شاگردیکه در کلاس اول

آنجا می خواهد وارد شود سن او بیشتر از

چهارده و بیشتر از شانزده نباید باشد اگر چه

محتاج بذکر نه بود ولی خاطر هم هست که

یکوقت یکی از آقایان نمایندگان می-

فرمودند بچه های شش و هفت ساله بمدرسه

سیاسی میروند بنده آنروز موقع نشد

عرض کنم و برای کلاس دوم حداقل پانزده

سال و حداکثر هیجده سال معین شده و بچه

شش همت ساله ندارد و دیگر از شرایط آن

حسن اخلاق و غیره است و وقتیکه شاگرد

مدرسه سیاسی وارد می شود تصدیق نامه

مدارس ابتدائی شش ساله کافی نیست

و در موقع ورود او را جدیداً امتحان میکنند

و شاگرد در شش موضوع باید امتحان بدهد

بنا بر این مواردیکه در ورود مدرسه سیاسی

شاگرد باید امتحان بدهد تقریباً معادل سال

دوم مدرسه متوسطه دولتی میشود بعد از

اینکه این مواد را امتحان دادند پذیرفته

شد آنوقت سالی سه مرتبه باید آن شاگرد

امتحان بدهد و هر سال هم امتحان سالیانه

را باید بدهد اگر قبول شد میرود بکلاس

بالا تر والا در همان کلاس باقی می ماند

تا موقع سال دیگر همین طور تا سوم و سال

سوم و در سال سوم باید امتحان هر سه سال

را یکدفعه بدهد و اگر موفق شد و امتحان

هر سه سال را بطوری از هم جدا برآمد آنوقت يك تصديق نامه باو میدهند اما علومیکه در دوره متوسطه سه ساله مدرسه سیاسی تحصیل میشود بدیع است معانی بیان است که اگر بخواهم وارد جزئیات آن بشوم بطول می انجامد جغرافیای مفصل عالم و ایران تاریخ مفصل ایران تاریخ ملل قدیمه مشرق تاریخ رم تاریخ یونان تاریخ جدید تاریخ فلسفه جدید تاریخ عرب و اسلام و عهدنامه جغرافیای احصائیه . صرف و نحو کامل ریاضیات . جبر و مقابله دودرجه . هندسه چهار مقابله . دفتر داری . منطق طبیعیات . حیوان شناسی . نبات شناسی . طبقات الارض و فیزیک یا شیمی . فرانسه . ادبیات فارسی و غیره و مقداری فقه است که در این سه سال در آنجا تدریس می شود و بعد از موفق شدن با امتحان سه سال متوسطه به تحصیلات دوسال آخر شروع می نماید در آن دوسال فقه که يك دوره تحصیل میشود در صورتیکه در این نظامنامه امتحان عدلیه که ملاحظه می فرمائید فقط قضا و حدودیات و شهادت معین شده ولی در مدرسه سیاسی در کلاس اول از جامع عباسی تدریس می شود و تصدیق می فرمائید مفصل ترین کتابی است که در فقه نوشته شده و از حیث فروع قسمت معاملات از نبره علامه است بقیه قضا و شهادت وارث و حدود و دیانت و غیره از شرایع تدریس می شود و خیلی دقت میشود که شاگردان یاد بگیرند و بعد امتحان بدهند و معلم این قسمت هم از چندی باینطرف آقای میرزا هدایت الله حکمی است در ویریه رفته این قسمت از مسائل فقه را که معاملات و شهادت وارث و قضا و سایر چیزها باشد از شرایع بطور تفصیل می خوانند و نظامنامه امتحان عدلیه فقط رؤس مسائل را معین نموده و علاوه بر فقه کلیات حقوق اساسی حقوق اداری حقوق مدنی حقوق جزائی حقوق تجارتی اصول محاکمات حقوقی قوانین عدلیه علم ثروت راجع بمالیه بودجه قوانین مالیه نقود اعتبار صرافی راهم تحصیل می کنند و ویریه رفته وقتی ما تحصیلات مدرسه سیاسی را بامواد نظامنامه امتحان عدلیه مقایسه کنیم می بینیم با آن موافق است بلکه بدرجات هم زیاده تر است مگر اینکه بگوئیم این نظامنامه کافی نیست آنوقت آن موضوع دیگری است و ممکن است یکوقت يك نظامنامه هم امتحانی برای عدلیه و يك یر گرامی برای مدرسه حقوق تهیه شود که زائد از آن موادی باشد که تا کنون در مدرسه سیاسی تحصیل میشده است .

بنا بر این بنده تصور میکنم بعد از آنکه با این طول و تفصیل يك عده شاگرد زحمت کشیده اند و تحصیل کردند و در

مدت پنج سال پنج مرتبه و در آخر هر سال يك عده اشخاص عالم و مطلع آن ها را امتحان کردند و بآنها تصدیق نامه دادند و يك مقام رسمی هم تصدیق نامه آنها را امضاء کردند .

مادام که این نظامنامه امتحانی معتبر است بعقیده بنده باید آنها مستثنی باشند مگر موقعی که بگوئیم این نظامنامه معتبر نیست بعلاوه بنده يك حقیقتی را میخواهم عرض کنم و آن این است که این نظامنامه هم رسمیت ندارد .

بنده تا کنون عرض میکردم اشخاصی که امتحان ندادند مطابق این نظامنامه باید امتحان بدهند ولی مطابق همین جزء چهارم ماده ۱۴۷ که بنظر آقایان میرسد این نظامنامه رسمیت ندارد و بنا بر این اشخاصی هم که موافق این نظامنامه امتحان داده اند امتحان آنها صحیح نیست و باید کسانی هم که امتحان داده اند با کسانی که امتحان ندادند بعدها بالسویه هر دو امتحان بدهند چرا ؟

برای اینکه می نویسد (رابعاً) دادن امتحانات علمی و علمی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق یر گرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات لازمه طبع و اعلان خواهد کرد اولاً این مقامات لازمه کجا است ؟ مجلس است یا هیئت وزراست ؟ یا هر دوست ؟ یا جای دیگر علمی ای حال این مقامات لازمه باید تفسیر شود که کجا است و این نظامنامه فقط بامضای یک نفر وزیر است و مقامات لازمه را که در اینجا تصریح نموده طی کرده و بعلاوه مطابق قانون تشکیلات عدلیه و دستخط تشکیلات که هر دو در سنه ۲۹ صادر شده است .

در دستخط تشکیلات که می نویسد (پس از تشکیل وزارت عدلیه تمام مأمورین عدلیه باستثنای پیشخدمت های دوائر و دربانها و پلیس باید بطریق امتحان و مسابقه در حضور کمیسیون که از طرف وزیر عدلیه معین خواهد شد معین شوند قانون تشکیلات عدلیه هم که در سنه ۲۹ از کمیسیون عدلیه گذشته که جزء چهارم ماده ۱۴۷ آن فعلاً موضوع بحث است میگوید که عموم اعضاء و مستخدمین عدلیه باید امتحان بدهند و هیچ اختصاص بسنه ۳۲ ندارد .

بنا بر این از زمان تشکیل وزارت عدلیه تا الان عموم اعضاء امتحان بدهند بعلاوه چون این نظامنامه مقامات لازمه را طی نکرده رسمیت نداشته و اشخاصی هم که بر طبق آن امتحان داده اند و تصدیق گرفته اند آنها هم رسمیت ندارند و کلیه اعضاء عدلیه از صدر تا ذیل از تمیز تا ابتدائی بلا استثناء همه باید پس از اینکه

وزیر عدلیه یر گرام امتحان را مرتب نموده و از مقامات لازمه گذشت و طبع و توزیع نمود امتحان بدهند بنا بر این وزیر عدلیه باید یر گرام خاصی برای امتحان تهیه کند و پس از گذشتن از مقامات لازمه خواه مجلس باشد خواه هیئت وزراء آنوقت به آقایان اعلان کنند که شما بیاید و موافق مواد این یر گرام امتحان بدهید در آن موقع هم بایستی برای اشخاص يك فرجه معین کنند تا بتوانند خود را حاضر نمایند که آن مواد به موقع اجرا گذاشته شود در آتی هم هر چند مصباحی نظامنامه و مواد امتحان تغییر و تبدیل نکنند و باضافه جزایع ماده ۱۴۷ که می گوید دادن امتحانات علمی و علمی در انجمن امتحان و قضات عدلیه موافق یر گرامی که وزیر عدلیه مرتب و پس از گذشتن از مقامات لازمه طبع و اعلان خواهد کرد مادام که مدرسه حقوق تأسیس و اجزاء و اعضاء برای محاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است

دوم مرتبه را تصدیق کرد یکی اینکه اشخاصی که در مدرسه حقوق مطابق یر گرامی که وزارت عدلیه معین می کند و از مقامات لازمه میگذرد فارغ التحصیل میشوند مستثنی هستند يك چیز دیگر هم میخواهد بگوید که این امتحان در عدلیه است مادامی است که مدرسه حقوق تأسیس نشده است و وقتی تأسیس شد دیگر امتحانی در کار نیست بنا بر این عرض می کنم که اگر ما بخواهم قضیه امتحان را تعقیب کنیم اولاً باید نسبت بمدرسه حقوق تفسیر قائل بشویم که چه طور مدرسه است و بعلاوه مقامات لازمه را هم تفسیر بکنیم که این مقامات لازمه کجا است بنا بر این همه باید امتحان بدهند ولی اگر میگوئید مطابق نظامنامه امتحان عدلیه شاگردان مدرسه حقوق يك موادی را تحصیل می کنند که کافی است و باید از امتحان مستثنی باشند بنده عرض میکنم تحصیلات مدرسه سیاسی هم شامل این نظامنامه است و بنا بر این شاگردان آنجا باید مستثنی باشند دیگر اختیار با آقایان است

وزیر عدلیه — بنده بالاخره متعیرم که نماینده محترم ما بین این دو نظریه که اظهار نمودند کدام يك را اتخاذ کردند چون قائل بدواصل متضاد هستند میگویند یا همه را باید امتحان کرد و اگر همه را امتحان نمی کنید پس مدرسه سیاسی امتحان نکنید این خلاصه نظر ایشان است بنده یکمرتبه دیگر موضوع مذاکرات را یادآوری میکنم موضوع مذاکره تفسیر فقره چهارم ۱۴۷ است و برای حل این موضوع باشد باید نمایندگان متوسل بطریقی شوند که بالنتیجه برای قوه اجرائیه واجب الاطاعه و واجب الاجرا باشد و گمان میکنم اصل موضوع از بین رفته باشد زیرا از ده یا

سیزده نفر شاگردان مدرسه سیاسی که در عدلیه جزء اعضا هستند و نظر بباره ملاحظات یک قدری از دادن تقاضا نامه امتحان استنکاف میکردند بعد که ملتفت شدند هیچ نظر خاصی در بین نیست فقط این امتحان برای اصلاح وزارت عدلیه مملکت خودشان است و خود آنها هم ابتداء يك نیت و خوب این مملکت هستند این نکته را ملتفت شدند (زیرا شاگردان مدرسه سیاسی پس از زحمات و تحصیلات زیاد البته دارای افکار روشن و بآه و طرفدار اصلاح قوه قضائیه مملکت خود هستند بنا بر این بر حسب این تقاضا نامه

(ورقه را ارائه نمودند)

درخواست امتحان کرده اند و حاضر شده اند امتحان بدهند

قدین - اجباری بوده است

وزیر عدلیه - هیچ اجباری در بین نبوده است فقط من گفتم هر کس امتحان ندهد از شغلی که دارد منصرف است شاید آنرا با اجبار تعبیر کرده اند والا هیچ اجبار دیگری در بین نبوده است پس بای نعو کان شاگردان مدرسه سیاسی که در وزارت عدلیه بوده اند بر حسب این ورقه حاضر به امتحان دادن شده اند و بعقیده من اصل موضوع از بین رفته و دیگر نمایندگان مذاکرات در اطراف چه خواهد شد ثانیاً قبل از آنکه من داخل جواب نمایندگان محترم بشوم عمل می کنم متأسفانه طوری شد که رفتن بیرون لزوم پیدا نمود و در يك قسمت فرمایشات آقای زنجانی حاضر نبودم و از شنیدن مقدمه فرمایشات آقای تسنیم هم محروم ماندم ولی قسمتی را که شنیدم قبل از اینکه داخل جواب گوئی شوم يك سؤال از آقایان دارم و آن این است که آیا قانون باید اجرا بشود یا خیر (جمعی گفتند بلی)

اگر بنده قانون را اجرا نکنم به بنده اعتراض نخواهد فرمود پس این دواصل است

معرز است و بآن ایرادی نیست عقیده تمام نمایندگان محترم هم این است که این قانون باید اجرا شود بنا بر این بنده مکلف با اجرای این قانون هستم حالا قانون خوب یا بد است بآن کار ندارم اصلاح قوانین و الفاع و تغییر و نسخ آنها از وظیفه مجلس شورای ملی است هر يك از نمایندگان محترم که این قانون را بدیدند موظف هستند بطریقی که مقرر است پیشنهاد بکنند یعنی یا زده نفر آن پیشنهاد را امضا می نمایند بکمیسیون مبتکرات میرود اگر قابل توجه شد از کمیسیون مبتکرات میرود اگر قابل توجه شد از کمیسیون مبتکرات بمجلس شورای ملی می آید و در مجلس مقابل توجه بودن آن

رای گرفته می‌خود و اگر قابل توجه شد بکمیسیون مربوط بآن رجوع می‌شود و از آن کمیسیون مربوط بمجلس رایورت می‌دهند و مجلس رای می‌دهد و وقتی رای داده داده شد شاه امضا می‌کند و آنوقت قانون می‌شود این طرفی است که برای نسخ قانون مقرر شده ولی مادام که باین ترتیب جریان عمل نشده هر طریق دیگری اتخاذ شود اگر خارج از حدود قوانین باشد الزام و اجباری نخواهد داشت باز هم عرض می‌کنم موضوع مذاکره تغییر فقره چهارم ۱۴۷ این قانون است بازیکمربهم این ماده را می‌خوانم .

ماده ۱۴۷ رؤساء و اعضاء معاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه کلیه باید دارای شرایط و اوصاف ذیل باشند

اولا تابعیت ایران - ثانیا دین اسلام ثالثا سن که باید کمتر از فلان و فلان نباشد که بآنها کاری ندارم - رابعا دادن امتحان علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب و پس از گذشتن از مقامات لازمه طبع و اعلان خواهد کرد مادام که مدرسه حقوق تأسیس و اعضاء و اجزاء برای معاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است این قسمت ماده قانون است و واجب الاجرا و خیلی هم مقدس است و هر کس هم تغلف از آن بکند باید از او بازخواست شود و منتها تعبیری که ممکن است در این فقره بشود این است که گفته شود این مدرسه حقوق آن مدرسه حقوق نیست که در قانون ذکر شده والا تغییراتی که حتما مدرسه سیاسی یا دارالفنون یا مدرسه متوسطه یا عالی یا کلاس اکابر هم جزء این فقره چهارم است من نمی‌فهمم این تغییر از کجا است فرض کنیم مدرسه حقوق بدست من هم در جلسات عدیده تصدیق کرده‌ام که این مدرسه حقوق دارای مرتبه و مقام خودش نیست و و عده دادم پروگرام مدرسه حقوق را تهیه و تقدیم مجلس کنم و بالاتر از این و عده دادم که مواد امتحانی یعنی همان موادیکه بر طبق آن اشخاصیکه میخواهند داخل در عدلیه شوند باید امتحان بدهند بیاورم بمجلس در صورتیکه تصویب پروگرام از طرف مجلس لازم نیست و اصلا پروگرام را مجلس نباید تصویب کند ولی من احتیاط کردم و گفتم مواد پروگرام و امتحان را هم بمجلس می‌آورم که شما ملاحظه کنید و هر چه می‌خواهید در جزء آن مواد امتحان بگذارید و نهایت درجه باین مسئله موافق و سعادتمند خواهم بود اگر مجلس شورای ملی يك مواد امتحانیه برای دخول در خدمت وزارت عدلیه تعیین کند خود بنده هم معترفم که این ماده ۱۴۷ بد نوشته شده است و باید اصلاح شود زیرا برای تمام اعضاء عدلیه یکنوع امتحان قائل شده است در صورتیکه عدلیه اعضاء مختلف

دارد و اعضاء عدلیه را باید بقضا و مستخدمین عادی تقسیم کرد - زیرا رئیس کابینه عدلیه با ثبات و ضابط عدلیه بارئیس کابینه و ضابط و ثبات سایر وزارتخانه‌ها هیچ فرقی ندارد

مدرس - چرا فرق دارد وزیر عدلیه - یک قدری فرق دارد ولی معینا باید اعضاء و اجزاء آن را از هم تفکیک کرد و بدو قسمت ممتاز تقسیم نمود باید برای امتحان قضاة عدلیه درجات و اطلاعات حقیقی را قائل شد و باید امتحان آنها را سخت و شدید نمود زیرا مسند قضاوت جای هر کس نیست و فقط نشستن اشخاص نالایق بر مسند قضاوت است که قوه قضائیه ما را امروز مورد سرزنش قرار داده و مادام که ماسمی نکنیم اشخاص سالم و صحیح العمل بر روی مسند قضاوت بنشینند مومق باصلاح قوه قضائیه خود نخواهیم شد پس مجلس شورای ملی باید در این زمینه بقدر توانائی بلکه فوق توانائی خودش اعمال نفوذ و قدرت کند حالا وقتی که همه ما این نظر را داریم من نمی‌دانم حرف در سر چیست اگر مدرسه حقوق ناقص است تکمیلش کنید مواد امتحانی ناقص است باید تکمیل کنیم اما اینکه فرمودند مقامات لازمه کجا است و نظامنامه امتحانیه عدلیه هنوز آن مقامات لازم را طی نکرده بعبده بنده مقصود مقنن و قانونگذار که نوشته است مقامات لازمه به تصویب مجلس نبوده است بلکه ممکن است مقامات لازمه خود وزارت خانه باشد یعنی فلان کمیسیون یا فلان هیئت ولی احتیاطا بنده دست بالا را می‌گیرم و می‌گویم پروگرام را هم بمجلس می‌آورم که از تصویب مجلس بگذرد آنوقت میخواهید امتحان را هم شامل از اول تأسیس عدلیه بکنید مگر من گفتم نکنید در این باب هم هیچ تردیدی ندارم اما با تمام این مقدمات چه طور باید شاگردان مدرسه سیاسی مستثنی باشند من نمی‌فهمم و از تمام دنیا این مذاکرات که در این جلسه شده این قسمت برای بنده روشن نیست ولی در سایر قسمت ها بنده موافقم و هر چه از تصویب مجلس بگذرد البته اطاعت می‌کنم ولی این استثنا را من نمی‌دانم از کجای قانون پیدا میشود و اما اینکه در مجلس شورای ملی گفته شد اگر ما بخواهیم امتحان را شامل مدرسه سیاسی بکنیم و هنی است که بدیلم دولت وارد می‌آید بنده عرض می‌کنم هیچ و هنی نسبت بدیلم نباید تصور کرد برای اینکه شاگردان مدرسه سیاسی و مدارس دیگر برای خدمات عمومی مملکت باید دارای معلومات باشد بنابراین مدرسه سیاسی که بالاختصاص برای يك سنخ از خدمات مخصوص وزارت خارجه است تأسیس شده و لازم بامتحان هم نیست ولی ممکن است خدمت در وزارت عدلیه محتاج يك شرایط خاصی باشد که هیچ مدرسه آن شرایط را

نداشته باشد قاضی بودن در وزارت عدلیه لازمه اش شرایط است که هنوز هیچ مدرسه در ایران آن شرایط را دارا نیست پس اگر ما این شرط را بطور خصوصی قائل بشویم چه و هنی بدیلم مدرسه سیاسی وارد میشود بعلاوه دیگر بدیلم فرق دارد بدیلم شاگرد ابتدائی را هم دولت امضاء میکند پس باید بگوئیم اگر فارغ التحصیل های مدرسه ابتدائی را بخواهیم امتحان کنیم قوانین بامضای دولت است پس از این حیث هم ایرادی وارد نیست يك فرمایشی هم آقای زنجانی فرمودند که یقین دارم خودشان هم کاملا با فرمایشات خودشان موافق نیستند و آن این است که وظیفه مستخدمین عدلیه را بوظیفه فراش باشی ها و حکام تنزل دارند منتهی به ترتیب رفورمه یقین دارم خود ایشان هم این نظر را ندارند و معتقدند که وظایف مأمورین و قضاة عدلیه تفاوت زیادی با وظایف مأمورین سابق و حکام دارند و هر جهت مطالب خود را خلاصه میکنم و عرض میکنم اگر مجلس شورای ملی بخواهد فقره چهارم ماده ۱۴۷ را اینطور تفسیر کند که فارغ التحصیل های مدرسه حقوق هم از امتحان معاف نیستند و مادام که پروگرام مدرسه حقوق مرتب نشده است امتحان باید شامل آنها هم باشد بنده موافقم ولی استدعا میکنم در ضمن اظهار عقیده اگر آقایان می‌خواهند قائل بمعافیت بشوند این معافیت را استخراج از فقره چهارم این ماده نفرمایند و اگر هم مایل هستند بخواهند به ترتیب مقرر قانونی را تغییر بدهند من موافق هستم و مطابق وعده که دادم مواد پروگرام مدرسه حقوق و مواد امتحانیه را بمجلس شورای ملی می‌آورم که تصویب بکنند و تکلیف معلوم باشد

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه اولاً بنده معتمد که

حقایق یکی است نهایت در تعبیر اختلافی در الفاظ پیدا میشود که ناچار هر يك از موافقین در يك حقیقی بایک بیاناتی اظهار عقیده می‌کنند در صورتیکه روح و معنی و اصل یکی است ولی تعبیر و طرز بیان فرق میکند که ممکن است از طرز يك بیانی بعضی مخالفین مجاب شوند اما اصل موضوع تفسیر فقره چهارم از ماده ۱۴۷ ولی بعضی مطالب در اینجا گفته شده است که باید تحقیق بشود و قدری منقح و مشرح بشود که این مدرسه حقوق و سیاسی چه فرقی دارند؟ بعد از آنکه فرق آنها معین شد تصدیق خواهند فرمود باینکه نظر قانون گذار که ذکر از مدرسه سیاسی نکرده است چه بوده است بنده معتمد که مدرسه حقوق مدرسه سیاسی فرقی ندارند و باید هر دو در امتحان حاضر شوند و نظر وزیر عدلیه را هم تمجید

و تقدیس میکنم و ایشان را هم يك وزیر می‌دانم که حاضرند ماده قانون را اجرا کنند حقوق باعتبار متعلقش اقسام زیاد دارد حقوق خصوصی و حقوق عمومی خصوصی دارد که علمای حقوق می‌دانند پس مدرسه حقوق عبارتست از تعلیم گرفتن کلیه علوم که متعلق بحقوق است و از جمله تعلیم حقوقی است که راجع بوظایف سیاسی میشود مگر اینکه معنای سیاست و حقوق را هم بگیریم و بگوئیم دو لفظ مترادف است و اگر غیر از این فرض کنم آنوقت سیاست يك شبهه از فن حقوق میشود و چون مدرسه حقوق اهم از شبهه سیاست و غیره است لذا واضعین قانون آنرا در نظر گرفته اند حالا بعد از آنکه مسلم شد این مدرسه حقوق دارای آن پروگرام نیست در مسئله امتحان با مدرسه سیاسی هیچ فرقی ندارد زیرا بنده اینطور می‌فهمم که هنوز پروگرامی برای مدرسه حقوق که محصلین آن حاجت بامتحان نداشته باشند ترتیب داده نشده باز عرض میکنم قانون باعتبار واقع منقسم به سه قسم است يك سنخ قانون طبیعی است که طبیعت اینها را ایجاد کرده و جاری است هیچ قوه مقابل آن سنخ از قانون ممکن نیست بتواند مقاومت کند بزرگان هر همد هم چنین اینها و روسل آن قوانین طبیعی را در نظر گرفته اند و هیچ چیز مانع اجرای آنها نیست مگر خود طبیعت آنها را تغییر بدهد حتی بعضی چیزها هم هست که هیچوقت تغییر نمیدهند مثلاً قبح ظلم و حسن احسان و بر تقوی و مساوات و برادری و اتحاد و مودت اینها عقلی و طبیعی است طبیعت اینها را حکم میکند و بزرگان دین و عقلا هم همیشه برای این موضوع طبیعی و قوانینی وضع و ترویج کردند يك قسم قوانین الهیه است که واضعش اینها هستند و در شرع ماقوانین اسلام قوانین الهیه است يك سنخ از قوانین موضوعه است راجع بامور مملکتی است البته در مملکتی که مذهبی است قوانین مذهبی هم که واضع او از جانب خدا پیغمبر است بر جمیع مقدم است و رعایت آن در جریان هر يك از قوانین موضوعه بزرگترین شرط مذهبی و دینی است پس از ذکر این مقدمه عرض میکنم عدلیه همان عدلیه که در این منبر نطق آقایان نمایندگان محترم بنوبت فرمایشات خودشان را راجع به خرابی عدلیه فرمودند و اصلاحات عدلیه را طالب بودند تصدیق میکنند که هر چه فرمودند کم فرمودند زیرا نتیجه مشروطه خواهی و این زحمات احراز و خسارات وارده بملت نتیجه اش حفظ حقوق عموم است و آن جایش کجا است عدلیه است که باید مرجع تظلمات عمومی باشد و باید نهایت درجه توجه را باین مقام کرد ولی اشتباه

نشود همین طور که اشاره کردند قضاوت شان حاکم شرع و شأن مجتهد مسلم جامع الشرائط و عدلیه جای قضاوت نیست اعضایش هم قضاوت نمی کنند وظیفه اعضاء عدلیه تطبیق مصادیق است با مفاهیم و قوانین دینی و باید مصادیق وارده در محاکم را اعضاء عدلیه با مفاهیم قوانین دینی تطبیق کنند پس بنا بر این باید دارای فهم قانون باشند تا بتوانند آن مصادیق را که پیش آنها میاورند با مفاهیم قانون و احکام شرعی تطبیق کنند این وظیفه اجزاء عدلیه است و قضاوت در امور شرعیه کار اینها نیست چنانچه در قانون هم موارد ارجاع بشرع بینه و خلاف و اخلاف و غیره را خارج کرد و اصول معینی است که در عدلیه رسیدگی نمی شود ولی وظیفه اجزاء عدلیه را هم نمی شود سهل شمرد بنده معتقدم که در این موضوع آقایان و کلا خیلی صحبت بدارند برای اینکه همین مقام است که حقوق سی کرور ملت را می تواند یک تسامحی در معرض تضییع بگذارد و همین مقام است که بتوجه آقایان وزرا و وکلا می تواند حقوق سی کرور ملت را حفظ کند پس اگر دو روز سه روز هم در این خصوص صحبت شود نه از باب فلان مدرسه یا بهمان است این باب اهمیت موضوع و اصل مطلب است که راجع باصلاح قوه قضائیه است و خیلی مهم است و تمام فریادهای اهل عالم منتهی بحفظ حقوق می شود و حفظ حقوق هم در عدلیه خواهد بود پس بنا بر این قضاوت در عدلیه نباید باشد اما اعضاء عدلیه تا فهم قانون نداشته تا تحصیل علوم حقوقی نکرده باشند نمی توانند مصادیق را با قانون تطبیق کنند تا فقه نخوانده باشند و تمام مسائل فقه و شرع را ندانند نمی توانند احکام و مدارک شرعیه را که روی میزداده میشود بفهمند تا بحقیقت واقع و تطبیق کنند و حق از باطل تمیز داده شود فریادهای حضرت والا بلند می شود که باید بامتیاز فعلی معتقد بود جایش همین جا است بنده عرض میکنم باید آقایان خیلی توجه کنند بامتحان و آن امتحان هم بلا استثنا میشد این اول قسم اصلاح است زیرا مسئله متعلق به پنج نفر و صد نفر نیست راجع بمحکمه است که حقوق تمام افراد باید در آنجا تشخیص و تعیین شود پس بقدر قیمت جمیع ملت ایران باید باین موضوع اهمیت داد و از امتحان نمیشود کسی را مستثنا نمود اما آنچه راجع به دیپلم های مدارس سند امتحان است و در نزد ملت محترم است ما همیشه تشویق می کنیم اولاد های ایران را بتعلیم و تعلم و پیدا کردن راه ترقی و مدارج علمی (خدا انشاء الله بآنها توفیق بدهد) ولی در عین حال باید حفظ جامعه را هم بکنیم دیپلم مدرک تحصیلات و سند امتحان است ولی بدو جهت نمی شود این دیپلم ها را سند قرار داد

زیر این جهت صوری دارد و یک جهت معنوی اما جهت صوری این است که قانوناً تصریحاً میگوید امتحان باید در انجمنی بشود که وزیر عدلیه معین کند باین قید که صورتاً در قانون هست نمی شود آنرا تغییر بدیپلم کرد این جهت صوری و همین جهت صوری قانون هم خیلی مهم و مقدس است و اینکه میگویم صوری برای این است که مجلس اگر بخواهد تغییر بدهد می تواند اما جهت معنوی که خیلی مهم است این است که آقایانی که در مدارس سیر کرده اند و توجهاتی داشته اند بهتر میدانند چه عرض میکنم ده یا پانزده

شعبه یا بیشتر یا کمتر که در پروگرام تحصیل یک مدرسه است از قبیل نجوم و صرف منطق معانی بیان حکمت فلسفه قدیم و جدید حساب و غیره اینها اغلب علوم است که ما سابق می خواندیم و از یکدیگر تفکیک کرده اند و حال آنکه اغلب این علوم را سابقاً در تحت یک علم تحصیل می کردیم بهرحال یک شخص ممکن است در موقع امتحان از چهارده یا پانزده شعبه مواد تحصیل ازعهده چند رشته آن بخوبی برآمده باشد فقط در یک رشته خوب نتوانسته است امتحان بدهد آنوقت قطعاً ناظم و مدیر هیئت متعین مدرسه راضی نمی شوند دیپلم شاگردی را که متجاوز از چندین سال زحمت یا ریاضت کشیده و با سخت ترین شدائد تحصیل کرده برای اینکه در یک شعبه نتوانسته است بخوبی ازعهده امتحان برآید توقیف کنند و در واقع نتیجه زحمات چندین ساله ویرا بر اینگان بدهند اتفاق شاید همان رشته که نتوانسته است بخوبی امتحان بدهد رشته مبتلا ب عدلیه باشد و آن رشته ممکن است فقه باشد و چون هر چیزیکه در نظر قانون گذار احتمال را پیدا کرد باید جلو او را سد کرد پس عدلیه که مرجع رسیدگی بمحاکم حقوقی است و تشخیص حقوق و تمیز حق را از باطل باید بدهد باید اعضاء آن دارای آن فن باشند و باید در آن علم تخصص داشته باشند که کاملاً بتوانند حق را از باطل تمیز داده و تطبیق قوانین عرفی را با قوانین اسلامی بنمایند که در نتیجه حقوق جامعه محفوظ و مصون باشد پس این نمی شود مگر اینکه آن دروس را کاملاً تکمیل کرده باشند اینجا است که قانون گذار برای امتحان اعضاء وزارت عدلیه یک هیئت متعنه از متخصصین فن تشکیل داده که اعضاء را امتحان و درجه معلومات و فضائل آنها را مقایسه کنند والا ممکن بود همانوقت صاحبان دیپلم تشریف بیاورند بروند آن فنون و علوم را که مخصص بوزارت عدلیه است و انحصار ب عدلیه دارد اگر در دیپلم شان بود امتحان ندهند پس نظر

باین مقدمات نمی شود هیچ کس را در امتحان مستثنی کرد در جمیع مواد و فنون باید مسئله امتحان کاملاً جاری و ساری گردد و متعین هر علمی باید بصیر و عالم آن فن باشد طلاً را چه امتحان میکند (معاک) فلانکس که در علم ماشین و چرخ سازی متخصص است او باید تشخیص ادوات و ابزار ماشین سازی را داده و داوطلبان آن را امتحان بنماید پس علوم هم که برای عدلیه لازم است باید متخصصین فن امتحان کنند و همان هیئتی که در وزارت عدلیه معین میشود تشخیص معلومات اعضاء را بدهند و نظر باینکه انشاء الله ما امیدواریم محاکمات اتباع خارجه هم در عدلیه واقع شود لهذا باید جمع فنون حقوق راجع باصول و محاکمات داخلی و خارجی را تمام اعضاء عدلیه بخوبی بدانند که مادر آنیه بدنیاً بتوانیم بگوئیم ما هم یک عدلیه منظمی داریم همه محاکمات اتباع خارجه در عدلیه ما باید بشود

آقا سید یحیی - محاکمه خارجه حالا هم در عدلیه میشود

امین الشریعه - انشاء الله باید همین طور باشد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - هر چند آقایان در این خصوص آنچه ممکن بود فرمودند اما آنجا که نوبت بنده رسیده و باید اظهار عقیده کنم البته اجازه میفرمایند چند کلمه در اطراف این قضیه عرض کنم منتهی این است بآن ترتیبی که اظهار فرمودند بنده مرتباً جواب داده عرض نمی کنم و از آخر جواب عرض میکنم

اول اینکه آقای وزیر فرمودند محصلین مدرسه سیاسی تقاضا نامه امتحان داده اند البته غیر از این هم از شاگرد تحصیل کرده مدرسه سیاسی که حقوق خوانده است نباید متوقع بود شاگردان مدرسه سیاسی و عموم شاگردان البته افتخارشان این است که قوانین جاریه مملکتی و احکام وزارتی را اطاعت کنند و البته وقتی از طرف وزارت عدلیه راجع به تقاضا نامه امتحان اعلانی میشود باید قبول کنند اما این دادن تقاضا نامه آنها مسئله اساسی را از بین نمیبرد زیرا خواه شاگردان مدرسه سیاسی جزء عدلیه بودند خواه نبودند باز بنده در یک همچو موقوفی خواه از نقطه نظر طرفداری معارف این مطلب را اینجا مطرح کرده و فریاد میزد از طرفی همه ما میگوئیم وظیفه ما این است که حفظ حقوق قاطبه را بکنیم و امتیاز فضلی را قبول نمائیم اما کجا بنده نمی دانم شاید آن دنیا والا در این دنیا و این مملکت که بنده هیچ امتیاز و فضلی نمی بینم و می بینم که نقش غیر ما

انزل الله توضیح این ماده مسئله دیپلم را هم حل بکنیم راجع باین مطالبی که آقایان صحبت فرمودند که شرایط قاضی چه چیز انزل الیه می شود نه اینجا بلکه در خارج من صاف عرض می کنم همینقدر که اینجا مذاکرانی می شود در خارج یک چیز های دیگری صحبت می شود حالا باید است اعضاء عدلیه حق قضاوت دارند یا ندارند و شرایط آن چیست اینها را آقایان صحبت کردند و عجلالتاً بنده مربوط نیست و البته همانطور است که فرمودند حالا بآن بنده کاری ندارم موضوع این است که اشخاصیکه می خواهند در عدلیه وارد شوند شرایط عضویت عدلیه چه چیز است بنده عرض می کنم یک قوانینی نوشته شده و چند ماده برای شرایط ورود در عدلیه نوشته شده اعضاء عدلیه هم همانطور که خرد آقای وزیر فرمودند شرایط امتحان شان هم باید فرق داشته باشد مثلاً منشی پیشخدمتی و قاضی نباید شرایط امتحان شان یکی باشد چه هر کدام بایستی دارای معلوماتی که درخور شغل آنهاست باشند مثلاً رئیس صندوق عدلیه نباید دارای شرایط قضاوت باشد باید محاسبات و دفتر داری را خوب بداند حالا بنده بآن موضوع کار ندارم در موضوع جزء چهارم این ماده که می گویند قابل تفسیر است یا نه اگر اجازه می فرمایید بطور کلی عرض کنم در دنیا و سایر ممالک همجه نیست که هر وزارتخانه کار وزارت معارف را بکند یعنی در هر وزارتخانه اطلاق امتحانی تشکیل بدهند و کسانی را که میخواهند مستخدم ادارات شوند آنجا امتحان کنند و پس از آن در ادارات پذیرفته شوند اگر مملکتی ادارای مدارس زیاد بود و معارف بعد کمال و اوج ترقی رسیده بود حالا این ماده هیچ مورد بحث و مطالعه واقع نمیشد زیرا امتحان مخصوص وزارت معارف است و در واقع وزارت معارف بمنزله تأسیس است که هر قدر برای وزارت عدلیه یا وزارت خانهای دیگر معلومات لازم باشد او تهیه می کند حالا می خواهم این مدرسه بقول آقای زنجانی مدرسه کمال یا فضیلت باشد یا سیاسی یا حقوق باشد هیچ فرق نمی کند و همانطور که آقای تدین فرمودند ما کاری بمدرسه مخصوص نداریم شاخ گل هر جا که میروید گل است ما بمعلومات و فضائل اشخاص کار نداریم و تنها منظور نظر ما تحصیل و دانش است می خواهد در مدرسه فضیلت یا مدرسه سیاسی یا فرضاً در چهار دیوار مدرسه کمال تحصیل کرده باشد فرضاً اگر یکی فقه را در عراق عرب خوانده باشد و دیگری در مدرسه ازهر مصر و دیگری در کربلا و هر سه هم از متخصصین تصدیق نامه راجع به فقه و مجتهد بودن خود در دست داشته

باشند و متخصص العلم تصدیق کرده باشد که آنها فقیه و مجتهد هستند آیا آنوقت ما باید بگوئیم آنکه در نجف تحصیل کرده است اخص است. خیر، بعقیده بنده فرق ندارد و همه یکسانند هر کس آن معلومات را آورده و شرایط اجتهاد را واجد بود باید محل نظر باشد و چهار دیوار و آب و هوای معتدل اعتبار نیست.

لذا بعقیده بنده همانطور که آقایان فرمودند باید امتیاز فضل را قائل و معتقد شد ما از يك نفر عضو عدلیه يك معلومات معینی که در ورقه امتحانیه قید شده است می خواهیم حالا نظامنامه صحیح یا سقیم او را کنار می گذاریم. اگر شما امروز يك نفر محاسب بخواهید اعلان می کنید که يك نفر محاسب می خواهیم و هر کس در هر گوشه دنیا و اقطار عالم درس خوانده باشد همین که از يك مدرسه دفتر داری و حساب تصدیق آورد و بشما ارائه داد دیگر بعقیده بنده محتاج بامتحان ثانوی نیست اگر ما این اصل را قبول نکنیم صاف عرض می کنم که معارف ما ترقی نخواهد کرد بنده کار ندارم که این شرایط امتحانیه خیلی کم یا زیاد است ممکن است اگر کم است آقایان زیادتر بنویسند ولی اگر فرضاً در يك موقعی گفته شد ریاضیات لازم است یک نفر شاگردی که دیپلم آورد و گفت من در ریاضیات تخصص دارم گمان میکنم دیگر امتحان مجددی لازم ندارد شاگرد مدرسه سیاسی را وزارت خارجه و وزارت علوم امتحان کرده و تصدیق داده اند و همانطور که آقای تدین اظهار فرمودند تمام مواد تحصیلات مدرسه سیاسی ما هم علاوه بر آن چیز است که برای عضویت در وزارت عدلیه لازم است دیگر چه امتحان باید از آنها بشود حالا بعضی از آقایان فرمودند اگر واقعاً آن علوم را تحصیل کرده و حالا هم میدانند دو مرتبه امتحان بدهد چه اهمیت دارد بنده هم می گویم يك حجة الاسلامی که از نجف می آید و يك ورقه تصدیق هم در دست دارد و می گوید مجتهدم آنوقت در هر جا که وارد بشود و بخواهد حکمت و فضیلت بگوید یا فضاوت شرعی کند پس باید گفته شود اگر حالا هم بلد است و میدانند دوباره امتحان بدهد تا آنوقت بتواند حکم کرده حکمت و فیضیت بگوید.

آقا سید یعقوب - او حاضر است.

سایه بان میرزا - پس این ترتیب دیپلم و اجازه نامه یعنی چه وقتی گفتند فلانکس فلان علم را بلد است یا مثلاً نجاری از مدرسه صناعت تصدیق دارد که بموجب آن تصدیق مدعی است که علم نجاری را میدانم ما اگر بخواهیم کاری باو رجوع کنیم و دری بسازیم باید بدو باو

بگوئیم خوب بیا مجدداً امتحان بده بعد برای مادر بساز از این قرار معلوم میشود این دیپلم ها که در دست دارند بی مصرف است و فائده ندارد خود بنده یک وقتی درس می خواندم و تصدیق گرفته ام حالا هر وقت شما می خواهید من باید امتحان بدهم و اگر بگویم بموجب این ورقه من ریاضیات یا سایر علوم را در دارالفنون تحصیل کرده ام شما قبول ندارید من بشما ورقه تصدیق نامه را ارائه میدهم اگر آن مقاماتی که این ورقه را امضاء کرده اند محل اعتبار و اطمینان شما است باید این ورقه مرا قبول فرمایند و اگر محل نظر و اطمینان شما نیست آنهم مطلبی است يك اشکالی آقای امین الشریعه فرمودند که آنهم بنظر بنده وارد نیست و آن اینست که فرمودند ممکن است شاگردی از دوازده رشته علم که باید امتحان دهد از عهده یازده رشته آن بخوبی برآمده و يك رشته دیگر را چنانچه باید و شاید نتوانسته است امتحان بدهد و نظر باینکه اغلب موارد امتحان داده و بخوبی از عهده برآمده است لذا باو تصدیق نامه داده اند و نیز اشاره فرمودند که ممکن است آن رشته که نتوانسته است از عهده برآید شاید همان رشته مابه الاحتیاج عدلیه باشد و باین نظر نباید آن دیپلم را قبول کرد و مناط اعتبار قرارداد بنده هم همین مسئله را در باره فلان حجة الاسلام عرض میکنم و میگویم ممکن است او هم که اسمش مجتهد و دارای تصدیق است از عهده یکی از اصول احکام شرعیه مثلاً معاملات یا دیات یا یکی از آنها بر نیامده باشد خوب امتحان نداده باشد یعنی چه.

این يك سفسطای و سوفسطائی است که اساس ندارد اگر شما اشخاصی که این ورقه را امضاء کرده اند و این تصدیق نامه را بشاگرد داده اند قبول دارید و آنها را لایق میدانید که از طرف آنها تصدیق شده این شاگرد تاریخ جدید و یا تاریخ معاصر. حقوق بین الملل. حقوق اسلامی. فقه اسلامی. علم شریعت. قوانین مالییه. اصول محاکمات. منطق. ادبیات. فارسی. طبیبیات. تاریخ شعراء. و فرانسه را تحصیل کرده و از عهده امتحان بخوبی برآمده است.

دیگر چه می گوئید هیئت امتحانیه هم چگونه فردا در عدلیه تأسیس میشود همین علوم را میخواهد غیر از این که دیگر چیزی نیست.

اگر آقایان تصدیق میفرمایند که این دروس مفصلی که اینجا عرض شد برای یک نفر شاگرد که سالها زحمت کشیده کافی است دیگر محتاج بامتحان ثانوی نیست و اگر هم میگویند خیر کم است و باید همه از روی پروگرام جدیدی امتحان بدهند و مواد پرگرام امتحانیه آنرا هم باید به

مجلس بیاورند این يك مسئله دیگری است و تا آن قانون از طرف وزیر پیشنهاد نشده و از مجلس نگذشته دیگر موردی برای امتحان باقی نیست و الا اگر امتحان در تحت این مواد است که شاگرد مدرسه سیاسی یا مدرسه مصر یا مدرسه حقوق هرچه اسمش را بگذاریم و در هر جادرس خوانده باشد همین قدر که این مواد را تحصیل کرده باشد و تصدیق نامه در دست داشته باشد که يك دوره فقه خوانده است کافی است و دیگر امتحان ثانوی لازم نیست و الا اگر این ترتیبی که میفرمایید اجرا شود و ادامه پیدا کند دیگر کسی به میل و رضا عقب تحصیل نمیرود. مسئله دیگری که آقای وزیر فرمودند که معصیلین شش ساله هم فردا ممکن است همین فریاد را کرده و خود را از دادن امتحان معاف و مستثنی بدانند این مسئله طرف مقایسه نیست بنده عرض میکنم آنشاگردی که دارای دیپلم و بالاخره مواد امتحانیه است شما با دوره تحصیلات او موافقت و مطابقت میکنید تنها او معاف است زیرا موادیکه طرف ضرورت و احتیاج شما است او تحصیل کرده و امتحان داده و سند معتبر در دست دارد و یکمرتبه هم امتحان داد. حالا دو باره اگر او را امتحان کنند مقتضی نیست و قطعاً بمقام دیپلم او بر میخورد و برای او توهین است البته اگر شاگرد مدرسه ابتدائی بخواهد در عدلیه عضو شود باید امتحان بدهد زیرا در تصدیق نامه او قید نشده است فقه میدانند یا فرضاً تحصیلاتش با مواد امتحان وزارت عدلیه برابری و مطابقت میکند مثلاً در نظامنامه امتحان عدلیه نوشته شده است يك دوره فقه شاگرد مدرسه سیاسی هم به موجب این تصدیق نامه يك دوره فقه را تحصیل کرده و میدانند در اینصورت دیگر اشکالی باقی نمی ماند عرض کردم شاخ گل هر جا که میروید گل است. هر جادرس خوانده باشد فرق نمی کند. محل درس بطوریکه عرض کردم فرق و تفاوت ندارد. آب خاک رودخانه. فضا. محیط. تأثیری در اهمیت مسئله ندارد میخواهد در مدرسه آن دروس را خوانده باشد یا در جای دیگر وقتی کسی فارغ التحصیل و دانشمند شد فارغ التحصیل و فاضل است. فرض بفرمایید اگر کسی تحصیلات خود را در مدرسه صدر به پایان رسانده و امتحان داد آیا در اجتهاد او محل تردید است؟ اگر کسی در مدرسه سیاسی یا در مدرسه حرق و یاد در مدرسه مصدر درس خواند و تصدیق گرفت و معلمین فاضل و دانشمند تصدیق معلومات او را کردند دیگر محل حشر نیست. اگر امتیاز فضل را قائل هستید و اگر میخواهید معارف ما ترقی حاصل کند و اگر میخواهید

معصیلین را تشویق و ترغیب کنید و اشخاص دانشمند در آتیه زیاد شوند باید هر کس تصدیق نامه و دیپلم ارائه داد باید او را بوسیده و بالای سر گذاشت بعقیده بنده برای پیشرفت معارف اولین قدم ترقی قبول دیپلم و باید دیپلم را مقدس و محترم بشماریم و در نظر من فرق ندارد که يك حجة الاسلامی که يك آقا شهادت نامه میدهد آن حجة الاسلام چه در ایران باشد یا عراقی عرب باشد فرق نمی کند زیرا محل او مناط نیست بلکه علم و فضیلت مناط است. پس اگر ما معلمین مدرسه سیاسی که این تصدیق نامه را امضاء کرده اند قابل میدانیم باید اجازه نامه آنها را قبول کنیم و اگر قابل ندانیم و بگوئیم خیر معلم نیستند آنمطلب دیگری است و صریحاً عرض میکنم که این مسئله تمام شاگردان را مأیوس از تحصیل میکند و بخودشان خواهند گفت در مملکتی که زحمت نتیجه ندارد برای چه قبول زحمت نموده تحصیل کنیم در صورتیکه امروز و روزی ترقی معارف ما است و باید بعضی اینک استلام از تحصیل يك شاگردی میشود فوراً چندین ورقه از این دیپلم ها و تصدیق نامه از ابتدائی متوسطه عالی جلو ما بگذارد و بگوید اینها سند تحصیل من است و بموجب این اوراق قابل اشغال فلان مقام و مسند هستم آنوقت دیگر هیچ این همه را لازم نداریم هیچ امتحانی در وزارت عدلیه لازم نیست و در اینجا که نوشته است مادام که مدرسه حقوق برای تهیه اعضاء عدلیه تأسیس نشده است یعنی اگر فرضاً مدرسه حقوق تأسیس شد و پروگرام او را دولت و مجلس قبول کردند که این تحصیل برای عضویت عدلیه کافی است. در آن صورت هر کس تصدیق نامه در دست داشته باشد محتاج بامتحان ثانوی نیست. و اشکال آقای امین الشریعه را که باید در انجمن عدلیه امتحان داده باشند قبول ندارم.

امین الشریعه - قانون این طور می گوید.

سایه بان میرزا - بلی قانون است ولی برای آن کسیکه تحصیل نکرده باشد برای آقایانیکه تازه تقاضا نامه داده باشند اگر آن قانون است سطر زیرش هم قانون است که می نویسد مادام که مدرسه حقوق برای ادارات عدلیه تأسیس نشده است امتحان لازم است در هر حال بعقیده بنده تفسیر این ماده باید این طور باشد که بنده و چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده و تقدیم مجلس می نمایم حالا باقی مطلب موکول بنظر اکثریت مجلس است و همان طور که مکرر گفته ام اصل عمده حکومت شوروی قبول کردن رای اکثریت و اطاعت رای اکثریت است منتها اقلیت

باید داد خود را بزند و مطالب خود را اظهار کند و ضمناً رای خودش را هم بدهد ولی رای اکثریت مناط اعتبار است در هر حال نظر بنده این است که تصدیق و ردیلم از هر مدرسه که باشد در صورتیکه تحصیلات آنها مطابقت با تحصیلاتیکه برای عدلیه لازم است بنماید و مطابق پروگرام هم امتحان داده باشد دیگر امتحان مجدد لازم نیست بنا بر این تفسیریکه ما برای آنجزو چهارم خیال کرده ایم بهتر است در این پیشنهاد نوشته شده که الان قرائت میکنم

امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه این است که مقصود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه که مدارج قانونی خود را طی کرده باشد مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیل های از آن مدرسه دیپلم در دست داشته باشند اعم از اینکه بنام مدرسه حقوق نامیده شود یا مدرسه دیگر مقصود این است که در هر جا درس خوانده باشند و دیپلم در دست داشته باشند کافی است یعنی اگر شاگردی اظهار لیاقت و قابلیت کرد و تصدیق نامه ارائه داد که آنرا چند نفر از اهل فن امضاء نموده باشند بعقیده بنده از امتحان مجدد معاف است.

رئیس — اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده شود.

(در اینموقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجلس مجدداً تشکیل گردید)

رئیس — مجلس مایل است این مسئله امشب ختم شود یا بماند برای جلسه دیگر (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس — رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — چهار فقره پیشنهاد در این موضوع شده است قرائت میشود بعد رای گرفته میشود پیشنهاد آقای شیخ الاسلام قرائت میشود.

شیخ الاسلام — چون مطلب بکمالوری حل شده است بنده آن پیشنهاد خود را مسترد مینمایم.

رئیس — پیشنهاد آقای شریعت مدار کرمانی قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه - اقل عباد تاکنون در مجلس مقدس شورای کبری ملی شیدالله ارکانه کمتر داخل مذاکره و اعتراض و مخالفت بوده و اغلب اوقات در جلسات از دخول در مباحثات کناره و مسکوت عنه نموده

در این موقع بر حسب وظیفه و اسقاط تکلیف شرعی لابد و لاعلاج است عقیده شخصی و سیاسی خود را عرض و اظهار نماید از نقطه نظر حفظ مقام دیانت و روحانیت قابل توجه و تعقیب است فقره چهارم ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه که وزارت جلیله عدلیه بمجلس مقدس تقدیم مینماید و راجع باعضای محاکم در ماده مزبور موضع و مصرح است (دادن امتحانات علمی و عملی) چون اموال دماء و اعراض و نوامیس مسلمین در دست و زبان قضات محاکم است و حکم شرع شریف و شارع مقدس در این باب و این امر بزرگ با عدول مجتهدین جامع الشرایط و قضات است مصداق توفیق رفیع حضرت مسکری علیه السلام فقه عادل نافذ الحکم است الراد علیه کالراده علی الله خود حضرت ولایت مرتبت شریح قاضی می فرماید لایجلس هذا المجلس الانبی او اوصی نبی او شتی و نیز روایت احتجاج و مقبوله عمران حنظله و غیره و آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون هم الکاذبون هم الکافرون.

پس بنا بر این اصول و ادله شرعیه و آیه چنین است قوه قضائیه شرعاً مختص است ب عدول مجتهدین و اما قانوناً در اصل دوم قانون اساسی مبین است که در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مغالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت غیر الانام صلی الله علیه و آله نداشته باشد و در اصل ۲۷ که قوای مملکت بسه شعبه تجزیه و تفکیک میشود شعبه دوم قضائیه و حکمیه که عبارت از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شریات و اصل ۷۱ دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است لهذاجداً اظهار عقیده مینمایم که باید داوطلبان برای دخول بمحاکم عدلیه و جلوس بمسند قضاوت علماً و عملاً امتحان باشند و امتحان در محضر شریف یکی از فقهای عظام و حجج اسلام کثرالله تعالی امثالهم راده باشند و لاقلاً یک دوره شرایع و یا کتاب قضا و شهادت و قصاص و دیات را دیده باشند والا بهیچوجه من الوجوه شرعاً و قانوناً غیر این قسم که از امتحان بدهند در صورتی که در قانون اصول تشکیلات عدلیه هم تعرض شده است امتحانات بدهند این نوع اشخاص قابل و لایق نیستند واستحقاق و صلاحیت از برای این مقام شریف ندارند و نمیشود اعراض و نوامیس و دماء مسلمان را بمهده اشخاص غیر صالح و نالایق گذارد و نیز در خاتمه تکراراً عرض مینمایم باید

علماً و عملاً امتحان داد و دایه شریعتمدار کرمانی.

رئیس — پیشنهاد دوم قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)

امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه اینست که مقصود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه که مدارج قانونی خود را طی کرده باشد مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیل های آن مدرسه دیپلم در دست داشته باشند اعم از اینکه بنام مدرسه حقوق نامیده شود یا مدرسه دیگر.

رئیس — پیشنهاد سوم قرائت میشود (آقای تدین از قرار ذیل قرائت نمودند)

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع بمدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوقی که پروگرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن به تصویب مجلس اجرا خواهد گردید از دادن امتحان معاف خواهد بود.

رئیس — پیشنهاد چهارم قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی ما امضاء کنندگان ذیل برای احتراز از سوء تفاهات حاصله و عملی شدن امتحان امضاء محاکم و مستخدمین عدلیه مواد ذیل را پیشنهاد مینمائیم.

اولاً وزیر عدلیه دستور امتحان رؤساء و اعضا را بشکل لایحه قانونی تقدیم مجلس نموده پس از تصویب بموقع اجراء می گذارد.

ثانیاً کسانی که در مدارس تحصیل کرده اند دیپلم آنها در مورد امتحان یا مطابق با پروگرام مصوبه بمجلس شورای ملی مورد توجه و مزیت خواهد بود

ثالثاً — هیئت متعنه دوسه های امضاء عدلیه را در موقع امتحان باید طرف توجه قرار دهند.

رئیس — گمان میکنم به پیشنهاد آخری که آقایان نظام السوله - مدرس - آقا میرزا ماشم آشتیانی و شیخ المراقب زاده امضاء کرده اند نشود رای گرفت زیرا به منزله تفسیر نیست.

پیشنهاد آقای شریعتمدار کرمانی هم همین حال را دارد (خطاب بشریعتمدار کرمانی) اگر توضیحی دارید بفرمائید.

شریعتمدار — همان بود که عرض کردم و توضیحی ندارم مقصود این بود که امضاء و قضات عدلیه علماً و عملاً امتحان بدهند.

رئیس — این پیشنهاد حالت تفسیر ندارد فقط باین پیشنهاد دومی و سومی

می توانیم رای بگیریم و این دو پیشنهاد تقریباً مضمونش یکی است و جزئی فرق دارد و هر دو در مرتبه قرائت میشود.

(دویست و نهمین ذیل قرائت شد)

پیشنهاد دومی — امضاء کنندگان ذیل عقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه این است که مقصود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن با مواد نظامنامه امتحانیه وزارت عدلیه که مدارج قانونی خود را طی کرده باشد مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیل های از آن مدرسه دیپلم در دست داشته باشند اعم از اینکه بنام مدرسه حقوق نامیده شود یا مدرسه دیگر.

پیشنهاد (سومی).

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع بمدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوق که پروگرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن به تصویب مجلس اجرا خواهد گردید از دادن امتحان معاف خواهد بود.

رئیس — پیشنهاد دومی اختصاص می دهد بمدرسه حقوق منتهی می گوید پروگرام آن باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

پیشنهاد اولی اینطور نیست و تعمیم دارد.

آقای مدرس پیشنهاد دومی را امضاء فرموده اید اگر توضیحی دارید بفرمائید

مدرس — بنده تصور میکنم ما اینجا تفسیر مادم را میکنیم مقصود هم مدرسه حقوق است بالخصوص نمیشود یک چیز دیگری ضمیمه کرد.

علاوه بر این برای اطلاع آقایان عرض میکنم وقتی که این ماده نوشته میشد آقای مشیرالدوله در حکمسیون شریف داشتند و تقریباً ده سال بود مدرسه سیاسی دائر بود و هیچ احتمال اینکه مدرسه سیاسی جزء این مقصود باشد نبود و مدرسه سیاسی دخلی بتفسیر این ماده ندارد و تفسیر این ماده فقط راجع بمدرسه حقوق است و در آیه پروگرام مدرسه حقوق هم باید بمجلس بیاید و پس از تصویب مجلس بموقع اجرا گذارده شود آنوقت کسانی که از این مدرسه خارج می شوند از امتحان مستثنی خواهند بود.

رئیس — نسبت بآن پیشنهاد اولی کسی توضیحی ندارد.

محقق العلماء — بنده یک سؤالی داشتم.

رئیس — از کی؟

محقق العلماء — از آقای مدرس

رئیس — آقای تدین نسبت به پیشنهاد دومی توضیح دارند بدهند بعد رای می گیریم.

تدین — مقصود من از ذکر مدرسه

حقوق در ماده قانون بمقیده بنده این بوده است که در آن مدرسه يك هوادی تحصیل خواهند کرد که آنمواد برای ورود بعدیه کافی خواهند بود و يك قسمتهای علمی را برای عضویت عدلیه در نظر گرفته اند و بنا بر این در آن جامع مدرسه حقوق را تصریح کرده اند بنده عرض میکنم مقصود این بوده است برای عضویت عدلیه يك مواد معینی درس گفته شود حالا خواه اسمش مدرسه حقوق باشد خواه غیر حقوق باشد اسم اهمیت ندارد و اگر از این نقطه نظر بوده است که حقوق در آنجا تدریس میشود اگر مدرسه دیگری هم باشد که رسماً همان مواد مصوبه در نظامنامه امتحان عدلیه در آن تحصیل شود و محصلین آنجا هم امتحان میدهند دیگر ما چه دلیل داریم که آنها را از حق ورود بعدیه معروم کنیم اینکه میفرمایند در آن تاریخ مدرسه سیاسی بود اگر چنانچه يك اهمیتی داشت لابد آقای مشیرالدوله که یکنفر از اعضای آن کمیسیون بودند او را در نظر میگرفتند این دلیل نیست بجهت اینکه ممکن است يك مدرسه در ده سال قبل يك درجه از علوم در او تحصیل میشده و بعد رفته رفته ترقی کرده و امروز مواد تدریسی و تحصیلی آن خیلی زیاد تر از سابق شده است پس این دلیل نیست که چون در آن تاریخ مدرسه سیاسی با قصد منظوره موافق نبوده است حالا هم از آن صرف نظر شود مثل اینکه اغلب مدارس در ابتدا در بدو امر خیلی کوچک و مختصر بودند حالا توسعه پیدا کرده و بر مراد تحصیلات آنها افزوده شده است به علاوه در صورتی که در هر دو پیشنهاد این اصل مشترك است و قائل شده ایم که پروگرام امتحان را مجلس تصدیق کند آنوقت هرگاه مدرسه سیاسی هم مطابق همان پروگرام مصوبه مجلس تحصیل کرد و در آخر سال هم امتحان داد بچه دلیل ما میتوانیم بگیریم دیالیز موثر نیست آیا دیپلم مدرسه حقوق چون اسمش مدرسه حقوق است مؤثر است یا خیر

بنا بر این مقصود مقنن همان بوده که در اول عرض کردم و تفسیر هم بیان روح قانون را میکنند و این پیشنهادی که ما کرده ایم اهمیتش بچندین جهت زیاد تر است و در ضمن این اقدامی که برای عدلیه مملکت میکنیم ضمایک خدمت بزرگی هم بمعارف کرده ایم پس مقیده بنده این است که غیر از مدرسه حقوق اگر بیست مدرسه دیگر هم تأسیس شود که رسماً دولت پروگرام آنها را تصدیق کند و همین مواد در آن مدارس تدریس شود و در موقع هم امتحان بدهند آنها هم مثل شاگرد دیپلمه مدرسه حقوق خواهند بود فرق ندارد و بسایر پس از تصویب

پروگرام مدرسه حقوق اگر مدرسه سیاسی هم همین امتحان را داد و تصدیق گرفت باید مؤثر باشد بنا بر این پیشنهادیکه ما کردیم شامل این قسمت و آن قسمتی که آقایان پیشنهاد کرده اند هر دو هست در صورتیکه پیشنهاد آقایان این مسئله اخیر را شامل نیست این را هم لازم است عرض کنم که مقصود و منظور نظر باین دوازده و سیزده نفر شاگرد مدرسه سیاسی که فعلاً در عدلیه مستخدمند نیست بلکه مقصود اساسی معارف است در اینجا دو جمله توضیح داشتم راجع بیانات سابق بنده گویا سوء تفاهمی شده بود و بعضی از آقایان تصور فرموده بودند که من عرض کرده ام مدرسه سیاسی معاف باشد مقصود این نبود که در تمام شرایط باید معاف باشد خیر اینکه بنده عرض کردم مقصود این بود که از حیث درجات علمی معاف باشد ولی امتحان عملی یا سایر شرایط دیگر را باید دارا باشد این را چون در جلسه گذشته عرض نکرده بودم حالا ناچار بتوضیح آن شدم

قسمتی هم آقای وزیر عدلیه راجع بشارگردان سیاسی مستخدم فعلی عدلیه فرمودند که موضوع آنها گذشته و خودشان تقاضانامه امتحان بمقام وزارت داده اند لازم است توضیح بدهم تقاضا نامه که داده اند اول تقاضای مشروط بود بعد او را مسترد داشته اند و تقاضانامه دیگر داده اند ولی در آنچه که در اثر حکم انفصال این حکمی است که مورخه سوم حوت نوشته شده است که میخوانم:

چون مطابق اعلان تقاضانامه امتحان نداده اید از اول برج حوت هذمه السنه از خدمت منقول شدید (وزیر عدلیه - صحیح است)

قبلاً - اگر تقاضا نامه امتحان هم داده اند بر حسب اجبار و الزام بود و آنوقت که عرض کردم مجبور بود بی مورد عرض نکردم و زمینه پیشنهادی هم که از طرف بنده و بعضی رفقا شده است با زمینه پیشنهاد آقایان روحاً و اساساً یکی است و دو نتیجه تصور میکنم با هم موافقم و بنا بر این بنده خیال میکنم اگر پیشنهادی که از طرف جمعی از رفقا داده شده اگر آقایان موافقت بفرمایند بهتر خواهد بود

مدرس - چون سوء تفاهمی شده لازم است توضیحی عرض کنم

رئیس - بفرمائید

مدرس - اگر چه بنده رسم نیست متعرض بیانات دیگران شوم لیکن چون بنی عم مکرم گفته اند در آنوقت مدرسه سیاسی مورد اهمیت نبود بنده می گویم مدرسه سیاسی آنوقت هم خیلی مورد

اهمیت بود بنده خودم شخصاً در اغلب امتحانات آنها حاضر بودم مقصودم این بود که آنوقت ما اینماده را می نوشتیم منظور نظراین تفسیر نبود که آقایان میفرمایند ولی قانون عدلیه در کمیسیون مطرح است ممکن است پیشنهاد بکنند و مدرسه را تعمیم بدهند هیچ مانع ندارد ولیکن نسبت باین ماده که دوازده سال قبل نوشته شده است نمیشود این تفسیر را کرد

رئیس - باز جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و گویا میخواهند همان مسائلی را که ذکر کرده اند اعاده و تعقیب نمایند پیشنهادات دوباره قرائت میشود توضیحات هم داده شد نسبت بآنها رای میگیریم

وزیر عدلیه - فقط بنده کلمه لازم بود بنده عرض کنم اگر چه از زمینه پیشنهاد خارج است ولی از بیانات اولیه و توضیحات اخیر آقای تدین همچو فهمیدم که حکم انفصالی را که داده شده حمل بر يك اجباری کرده اند این حکم ممکن است تعبیر باجبار شود ولی کاملاً مطابق قانون است

رئیس - آقای نظام الدوله این پیشنهادیکه فرموده اید که امتحان شامل حال عموم اعضای عدلیه باشد حالت تفسیری ندارد برای اینکه اشتباه واقع نشود پیشنهاد اولی مجدداً قرائت میشود و رای می گیریم

(بعضیون ذیل قرائت شد)
امضا کنندگان ذیل مقیده دارند تفسیر جزء چهارم از ماده ۱۴۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه این است که مقصود از مدرسه حقوق مدرسه ایست که مواد تحصیلاتی آن بامواد نظامنامه امتحانیه در وزارت عدلیه که مدارج قانونی خود را طی کرده باشد مطابقت کامل داشته و فارغ التحصیلها از آن مدرسه دیپلم در دست باشد اعم از اینکه بنام مدرسه حقوق نامیده شود یا مدرسه دیگر

رئیس - نسبت باین پیشنهاد رای می گیریم آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام فرمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد دوم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

مقصود از فقره چهارم ماده ۱۴۷ راجع بمدرسه حقوق این است که فارغ التحصیل های مدرسه حقوقی که پروگرام آن پس از طی مدارج معینه و رسیدن بتصویب مجلس اجرا خواهد گردید از دادن امتحان معاف خواهند بود

رئیس - نسبت باین پیشنهاد رای می گیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای نظام الدوله از آقای رئیس الوزراء راجع بحرکت ولایت عهد از اروپا سؤالی داشتند

نظام الدوله - در ابلاغیه که از مقام منبع سلطنت عظمی موقع مسافرت صادر شده بود چنین مرقوم فرموده بودند که در غیبت خودشان حضرت ولایت عهد نایب مناب ایشان خواهند بود خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم این تصمیم اعلیه حضرت بموقع اجرا گذاشته شده است و ولایت عهد حرکت کرده اند یا خیر؟

رئیس الوزراء - وقتیکه اعلیه حضرت میخواستند حرکت فرمایند بنده خودم این مسئله را عرض کردم فرمودند وقتی بفرنگستان رسیدم والا حضرت را روانه ایران خواهم کرد ولی هنوز نرسیده اند از قراریکه شنیده ام فردا یا پس فردا بمارسیل خواهند رسید و وقتی که رسیدند تکلیف این مسئله معلوم خواهد شد

رئیس - آقای حائری زاده نیز سؤالی داشتند

حائری زاده - بنده در یکماه ونیم قبل عرض کردم معادل مالیات یزد سارقین فارس اموال تجار را سرق کردند و بنده هنوز نتوانسته ام بفهمم مسئول انتظامات این مملکت و حفظ اموال مردم وزارت داخله است یا وزارت چنگ از آقای رئیس الوزراء سؤال میکنم مسئول اموال کیست و غرامت آن اموال را کی باید بگیرد و بتجارت برساند در این باب چه اقدامی فرمودند

رئیس الوزراء - در این باب سابقاً بوزارت داخله در نوزدهم جمادی الاولی اطلاعی رسیده بود بایالت فارس تلگرافاتی شد که اردویی برای تعقیب و دستگیری سارقین تهیه کنند از قرار اطلاعات واصله حکومت فارس اردویی برای چهار راهی و تعقیب و دستگیری سارقین تهیه کرده و ضمناً اطلاع داده است که آنها سیصد چهار صد نفرند که در قلل جبال هستند و باید آنها را دستگیر و به بلوکات پراکنده نمود بطوریکه در تحت نظارت قوای مسلحه باشند رئیس قشون فارس و بایات برای انجام این مطلب دستور العمل های لازمه داده شده است

حائری زاده - از قرار اطلاعاتیکه بنده دارم دو دسته سارق در آن حدود هستند یکدسته همان چهار راهی ها هستند که فرمودند دسته دیگر اشاری هستند که در حدود یزد مشغول غارت گری هستند و کلین آقای امین الشریعه هم بایشان تلگراف کرده بودند آنها هم اسباب زحمت اهالی را فراهم می آورند ایالت فارس تلگراف کرده بود که چهارده هزار تومان و کسری گرفته شده و به تجار کرمانی پرداخته

شده و تجار کرمانی تلگراف کرده بودند که از آن چهارده هزار تومان گرفته اند هفتصد تومان بیشتر بتجار نرسیده این قبیل اقدامات اگر قبلاً برحسارت سارقین آنچند بود نیز باید کاملاً امیدبخش نیست که تجار بتوانند زندگانی خود را با تجارت تأمین کنند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله راجع بجواهرات سلطنتی سؤال داشتند **حاج شیخ اسدالله - آقای رئیس الوزرا** فرمودند سؤال راجع بجواهرات در جلسه بعد شود اگر اجازه بفرمائید و سؤال دیگر دارم آنهارا عرض کنم؟

رئیس الوزرا - سئوالتان را بفرمائید.

حاج شیخ اسدالله - همه آقایان و مخصوصاً آقای رئیس می دانند که در نتیجه شجاعت و فداکاری ابناء وطن و خونهای که از افراد این مملکت در اقطار عالم ریخته شد یک جواهراتی باین مملکت آوردند و بودیه برای ملت ایران بیادگار گذاشته شد البته ملت و دولت باید کمال مراقبت را در حفظ و حراست جواهرات و بودیه شجاعان این مملکت داشته باشند در ادوار سابقه یعنی قبل از دوره مشروطیت گویا یک تصرفاتی در این جواهرات شده است و از قراریکه می شنوم یک قسمت های جزئی در یک زمانهای قبلی که لازم نیست اسم ببرم از بین رفته ولی بعد از تغییر رژیم استبداد بمشروطیت یک نفر اروپائی متخصص را خواستند و جواهرات را تقیم نموده و صورت ثبتی از آن جواهرات برداشته شده بنده خواستم از آقای رئیس الوزرا سؤال کنم که آیا آنصورت ثبتی که از جواهرات برداشته شده است محفوظ می باشد یا خیر؟ و دیگر آنکه جواهرات مطابق آنصورت کسر و تقابل پیدا کرده است و در آنها تصرفاتی شده یا نه؟

و این جواهرات قبلاً در دست کی بوده و مسئول این جواهرات کیست اگر ممکن است برای اطلاع ملت آقای رئیس الوزرا در این باب توضیحات خود را بفرمایند

رئیس الوزرا - در چندی قبل مسئله جواهرات در هیئت وزرا مطرح مذاکره بود و قرار شد یک کمیسیونی از نمایندگان ادارات مختلفه معین شود از طرف مجلس شورای ملی هم چند نفر از نمایندگان حضور داشته باشند و با حضور آنها بصورت های موجوده رسیدگی شود و البته تصدیق خواهند فرمود بنده قبل از وقت نمی توانم جوابی بدهم و موکول رسیدگی کمیسیونی است که در بین چند روز معین خواهد شد **حاج شیخ اسدالله -** مطابق آنچه که بنده شنیده ام جواهرات چندین قسمت و در معالای مختلفه بوده آیا آقای

رئیس الوزرا می توانند بفرمایند در تصرف کیست که محفوظ بماند تا وقتی که صورت را آقای رئیس الوزرا تقدیم مجلس نماید؟

رئیس الوزرا - جواهرات کمافی السابق در خزانه اندرون است و در صندوق های مهور محفوظ می باشد و صورتش هم نزد مستوفی بیوتات است از بابت آن به هم بعد از اینکه کمیسیون رسیدگی کرد البته هر طور مقتضی بدانند حفاظت و سایر مطالب ترتیبی داده خواهد شد

حاج شیخ اسدالله - اجازه بفرمائید سئوالات دیگر را که دارم عرض کنم

رئیس - می خواهم تمام سئوالتان را بفرمائید.

حاج شیخ اسدالله - اگر اجازه فرمایند یک سؤال دیگر بکنم

رئیس - چند نفر دیگر از آقایان هم سئوالات دارند آقای ارباب کیخسرو نیز سئوالی راجع به همین موضوع داشتند

ارباب کیخسرو - اگر چه آقای حاج شیخ اسدالله مسئله را بطور اختصار بیان فرمودند ولی سؤال بنده منحصر به جواهرات نبوده هم راجع بجواهرات و هم راجع بتمام ذخائر بیوتات سلطنتی است که تمامی متعلق بملت است

اینکه آقای حاج شیخ اسدالله هم اظهار فرمودند که شخص جواهرشناس آمد و صورت برداشت شاید از نظر محو فرموده اند که در سنه ۱۳۲۷ از طرف ملت نظارت و صورت برداشت و در صندوقها گذاشته و مهر شد یعنی آقای حسین قلیخان نواب و چند نفر دیگر که از طرف ملت نظارت داشته در صندوق ها را مهر کردند نهایت شخصی آمده و تقویم کرده است اما سئوالات بنده منقسم به سه قسمت است قسمت اول راجع بمطالب معوقه

است که در سنه ۱۳۲۷ مطابق قراردادی که بین ملت و شاه مغلوع شد از فراری که می شنوم بموقع اجرا گذارده نشده و آن از این قرار است اولاً یک قسمت اسناد و قبایجاتی بوده است که نزد شاه مغلوع مانده است و بایستی تسلیم کنند و در این مدت تسلیم ننموده اند

ثانیاً چهل و نه طغری اسناد و قبایجات مهمه بوده که نزد مختارالدوله یهکی از ملازمین و همراهان شاه مغلوع بوده و هنوز تسلیم دولت نکرده است

ثالثاً مسئله تبدیل مرواریدهای دولتی و کسری زمردها است که مطابق صورت ممضی شاهزاده کامران میرزا باید از عهد بیرون بیاید و کمراراً خودش خواسته است هشتاد هزار تومان فراموش بدهد و قبول نکرده اند متأسفانه تا کنون هیچ عاید نشده همچنین دورشته تسبیح مرواریدهای خیلی

گران بها میباشد که نزد دو نفر از تجار بوده و متجاوز از چهل هزار تومان قیمت آنها است در حالتیکه تجار قیمت کمی گرفته اند و بایستی رد کنند و رد ننموده اند همچنین دو بسته از جواهرات دولتی است که محمد علی میرزا در بانک استقراضی سابق گذاشته بود و می بایستی بدولت رد کنند و هنوز بدولت رد نشده است و دیگر دو بسته و سی لیره طلا بوده است که مفتاح الملک در راه مکه از مسروقات میرزا یوسف سر رشته دار گرفته است و هنوز بدولت نداده است یک قسمت عمده دیگر از جواهرات است که نزد محمد علی میرزا مانده و می بایستی مطابق پرتیکل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است به علاوه اشیائی از میان رفته که باید نتیجه اقدامات دولت در استرداد معلوم شود منجمه پنجاه و نه تفنگ و چندین هزار فشنگ از اسلحه خانه بیرون رفته که متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است و نیز ده جلد کتب نفیسه بوده است که ارشاک از کتابخانه دولتی برده و در نیویورک بدو بست و چهل هزار دلار که تقریباً سیصد هزار تومان می شود فروخته است و آلان آن کتابخانه که این کتب در آنجا مفقود شده از دولت امریکا ادعای یازده میلیون دلار (مبادل بیست و نه کسور تومان) فراموش می کند قریب شصت هزار تومان کتبی بوده که نزد مرحوم قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدو بست و روشش رسیده و حتی یک جلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزاده محترم شده است و این کتب نیز بدولت نرسیده است اینها قسمتهائی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است

قسمت دوم راجع بجواهرات است اولاً همان اوقات یعنی سنه ۲۷ که رسیدگی شد جواهراتی را برای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده اند سؤال میشود که آقایان جواهرات در چه حال است و کجا است

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات که بموجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده سؤال میشود آن جواهرات در کجا است

ثالثاً دوازده فقره جواهرات بشرح ذیل اخیراً از خزانه خارج شده تسبیح مرواریدی که هر دانه آن تقریباً یک مثقال وزن داشته سه رشته انگشتر تخمه الماس برلیان هشت حلقه انگشتر الماس فلامک سه حلقه انگشتر تخمه لعل یک حلقه انگشتر تخمه زمره یک حلقه انگشتر تخمه یاقوت دو حلقه انگشتر تخمه فیروزه یک حلقه دگره تخمه الماس برلیان که یازده قیراط وزن داشته یک حلقه سنجاق تخمه الماس

یکقطعه ساعت طلای مرصع و ساده دو قاب نشانهای مرصع دو قطعه قوطی هینک طلا دو قطعه آیا اینها در چه حال و کجا است همچنین شنیده می شود در ظرف سنوات اخیره یک جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانکهای سوئیس باسم عباس نام امانتاً سپرده شده است آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد و آن جعبه را کی سپرده است

قسمت سوم راجع بلذخایر دولتی است که در حال فاسد شدن است منجمه ۱۲ صندوق جواهرات است که در جای بسیار مرطوبی گذاشته شده در صورتیکه رطوبت با مروارید موافقت ندارد و نزدیک فاسد شدن است آیا دولت برای جابجا کردن و جلوگیری کردن از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذاشته شود و دیگر اینکه مقدار زیادی ذخائر در بار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر از بین رفته منجمه از خیام خانه و موزه خانه و اسلحه خانه و زین خانه و امثال آن

آیا دولت میتواند اطمینان دهد که هر چیزی بجای خود باقی است یا خیر؟ من جملة کسار خانه چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراریکه شنیده میشود مشغول خورد کردن و فروختن اسباب آن هستند همچنین مقدار زیادی اشیاء نفیسه گران بها و حتی عهد نامه ها و قبایجات و غیره است که مثل اموال بیصاحب در عمارت بی سقف وزیر برف و باران و مخلوط با خاک و خاشاک ریخته شده است آیا برای حفظ آنها دولت چه اقدامی نموده است اینها چیزهایی است که بنده شنیده ام چون تمام اینها مطابق اصل سی و سوم و اصل سی و پنجم و اصل چهل و چهارم قانون اساسی ملک و مال ملت است و از وظیفه و کلا است که در حفظ و صیانت آن بکوشند (جمعی گفتند صحیح است) ما در اینجا ساعتهای وقت خودمان را صرف جزئیات نمیکیم در اینصورت از میلیون ها مال ملت نمی شود صرف نظر کرد (صحیح است صحیح است) ولی چون خوشبختانه آقای رئیس الوزرا از اشخاصی هستند که از تمام مطالب مستحضرند استدعا دارم اگر مقتضی است جواب مسائلی را که عرض کردم بفرمایند

رئیس الوزرا - سئوالاتی را که آقای ارباب کیخسرو فرمودند چون داخل در جزئیات شدند و بنده اطلاع نداده بودند باین جهت بایستی جزئیات سؤال خود را بنویسند تا بنده تحقیق کرده جواب یک یک آنرا عرض کنم اما دو مطلب را کلیه میتوانم عرض کنم یکی اینکه همینطور که عرض کردم کمیسیونی برای رسیدگی به خزانه

درباره همین بدخایر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهد نمود محلثبکه ذخایر هست مناسب دارد یا ندارد و اگر مناسب ندارد بچه محلثائی باید نقل شود و بطور کلی میتوانم عرض کنم که دولت در این خصوص تصمیماتی نموده و در دست اقدام است راجع بسایر مطالب هم بطوریکه عرض شد محتاج بتحقیقات دقیقانه است صورت سؤال خود را بفرستید تا راجع بجزئیات آن تحقیقات لازمه بعمل آمده و بمرض مجلس برسد

ارباب کیخسرو - اینکه فرمودند اطلاع نداشتیم در چند روز قبل که بنده صورت سؤال خود را تقدیم مقام ریاست کرده ام هم مسئله جواهرات و هم سایر ذخایر سلطنتی را نوشته بودم حالا که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم در باب راپورت اداره بیوات که بدولت رسیده است صورتی از آنها بمجلس بفرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای دربار مطلع باشند

رئیس - چون سؤال را بطور کلی داده بودید و داخل جزئیات نشده بودید و فقط نوشته بودید راجع بجواهرات سلطنتی و ذخایر همین طور هم بدولت ابلاغ شد سؤال دیگری راجع بجزیره هرمز داشتید

ارباب کیخسرو - راجع بجزیره هرمز لازم نیست بنده توضیحات مفصلی این جا عرض کنم زیرا آقای حاج معین التجار بوشهری بقدر لزوم در ضمن کتابچه نوشته اند و خدمت آقایان نمایندگان است چون این مسئله مدت ها طول کشیده است نه فقط آقایان نمایندگان بلکه عموم مردم از این مسئله اطلاع حاصل نمودند آقای حاج معین التجار بوشهری در ضمن کتابچه داده فرمانی داشتند که در مجلس دوم طرح و رجوع بکمیسیون فواید عامه شده بآن نظر دولت مجلس در آن باب تصمیمی گرفت و قرار بود دولت آن تصمیم را اجرا کند

ولی متأسفانه از روی کتابچه که آقای حاج معین التجار منتشر نموده اند معلوم می شود نه فقط تصمیم مجلس بموقع اجرا گذارده نشده بلکه بهیچ وجه منافع دولت و مملکت هم محفوظ نمانده است در این خصوص بنده اسنادی هم دارم که اگر موقعی برسد که این مسئله مثل تفسیر فقره چهارم ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه مطرح شود آنها را به نظر آقایان خواهم رسانید تا معلوم شود دولت های وقت تاجه اندازه نخواسته اند منافع ملت را حفظ کنند بموجب تصمیم مجلس شورای ملی یک حق برای آقای حاج معین التجار منظور شده است ایشان بموجب آن تصمیم مبالغی خود را طلب کار

میدانند حالا قسمتی از اصل و قسمتی از فرع است بنده داخل جزئیات آن نمی شوم که آیا چه درجه ذی حق هستند منظور بنده اینجا دو چیز است اولاً تصمیمی که مجلس شورای ملی در دوره دوم گرفته است بموقع اجرا گذارده شود و ثانیاً تعیین شود که حاج معین التجار چه مقدار طلب دارد و ترتیبی برای طلب ایشان داده شود که از نقطه نظر یک نفر تاجر ایرانی بودن حقوق ایشان محفوظ بماند برای اینکه بنده میدانم اگر بعضی دولت ها مجبور شده اند در بعضی مواقع صرف نظر از حق او یا از منافع دولت بکنند شاید یک نظریات سیاسی داشته در صورتیکه بودن جزیره در دست یک نفر ایرانی علاوه بر اینکه منافع زیادتری هاید مملکت می شود از نقطه نظر سیاسی هم صلاح ماست در این خصوص خواستم از آقای رئیس الوزرا سؤال کنم چه تصمیمی اتخاذ فرمودند و برای رسیدگی به ترتیبات آن جزیره برای حفظ منافع دولت و حفظ حقوق آن تاجریکه یک چیزی را از حال نابود بوجود آورده و بدولت سپرده است چه اقدامی خواهند فرمود؟

رئیس الوزرا - تقریباً یازده روز قبل در هیئت وزراء این مطلب بموجب شکایت حاج معین التجار مطرح شد و در نفر از آقایان وزراء معین شدند که با حاج معین التجار بنشینند و باین حساب رسیدگی میکنند و نتیجه را به هیئت وزراء بیاورند تا بعد بمجلس شورای ملی فرستاده شود رسیدگی هم شده و تقریباً بمجلس فرستاده خواهد شد بعد از آنکه بشظر عموم نمایندگان رسید البته هر طور تصویب فرمودند دولت اقدام خواهد کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا در خصوص مطبوعات و طرز اصلاح آنها سؤالی داشتند

محمد هاشم میرزا - خواستم از آقای رئیس الوزرا سؤال کنم که چنانچه ملاحظه می فرمایند این روزها مطبوعات از سبک سابق دست برداشته و مطبوعات مضره پیدا شده که در سایه آزادی مطبوعات و نبودن هیئت منصفه برای محاکمه از حدود خود تجاوز نموده اند این است که از ایشان سؤال می کنم آیا در این خصوص چه تصمیمی اتخاذ فرموده اند که عموم از تعرضات غیر ها مصون باشد و جرائد هم از تعرضات غیر قانونی ...

رئیس الوزرا - همین طور که اظهار فرمودند بعضی از مطبوعات فی الواقع از رویه که برای آنها معین است خارج شده و تصور می کنند در مقابل آزادی هیچ نوع مسئولیتی نیست در صورتیکه حق و تکلیف باهم توأم است در مقابل هر حق

تکلیفی هم است آزادی بدون مسئولیت امکان ندارد آزادی بدون مسئولیت هرج و مرج است باین جهت این مسئله فوق العاده اسباب شکایت تمام طبقات شده و همین طور که در این جا سؤال می شود در خارج هم به هیئت وزراء فشار می آورند زیرا با اندازه فحاشی و خارج از رویه چیز نوشتن زیاد شده که تمام طبقات شکایت می کنند هیئت وزراء را در فشار غربی قرار داده اند چون قانون مطبوعات هم ضمانتهائی که برای آزادی قلم هست بقدر کافی معین نکرده هیئت وزراء مصمم هستند چند ماده در تکمیل قانون مطبوعات تهیه نموده و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند که بقانون مطبوعات افزوده شود و با تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذاشته شود.

رئیس - آقای نظام الدوله راجع به بلدیة سؤالی داشتند

نظام الدوله - چون سؤال بنده راجع به بلدیة است قبلاً میخواستم استفسار کنم که آیا بطوریکه سابقاً گفته شد بلدیة در تحت نظر مستقیم آقای رئیس الوزرا است یا اینکه در تحت مسئولیت وزارت داخله است روی هم رفته از بلدیة گفته میشود یا اینکه مقداری از آن را خود بنده می دانم (مثلاً این است که بشود گفت عراق است) زیرا راجع بعایدات و بودجه آنجا گفته میشود پنجاه شصت هزار تومان حد اقل خارج ماهیانه است و عایدات هم تقریباً تا ۷۵ هزار تومان است و صورت کار بلدیة حقیقتاً صورتی است که گمان نمی کنم بلدیة یک ده یک شهر کوچکی که بلدیة داشته باشد منظورش اینطور باشد چون آقای رئیس الوزرا دقت خاص در این مسائل دارند بنده سؤال می کنم که ظن سؤال شدید نباشد فقط بطور تند عرض کردم و بیش از این لازم نمی دانم مفاسد و معایب آنجا را عرض کنم همین قدر سؤال میکنم آیا در این باب چه نظریه اتخاذ فرموده اند و تامین افکار جامعه را بچه طرز انجام خواهند داد علاوه بر این مالیات ها و عوارضاتی که گرفته میشود چون جنبه قانونی ندارد چه صورتی دارد چون مجلس شورای ملی که قانونی وضع نکرده و مردم هم تمام عوارض را قبول کرده و میدهند روی هم رفته منتظر یک امیدواری هائی پیش بیاید حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا تا این خاطر بنده و عموم مردم را که شاید بیشتر از تمام ادارات و دوائر دولتی از بلدیة و وضعیات آن شاکی باشند فراهم آورند.

رئیس الوزرا - در باب بلدیة دولت مشغول مطالعه و اصلاحات است و از قدم هائیکه عجلتاً برداشته شده یکی

موازنه بودجه بلدیة است چون عایدات بلدیة تقریباً در سال ششصد الی ششصد و پنجاه هزار تومان است مخارج آن هشتصد هزار تومان میشد باین جهت بلدیة دچار کسر بودجه و عقب افتادن حقوق میشد بدیهی است بواسطه عقب افتادن حقوق دچار يك اشکالاتی میشد ولی حالا يك بودجه مخارجی برای بلدیة نوشته شده است که در حدود همان عایدات یعنی ششصد هزار تومان است و بعد هر چه علاوه شود برای مصارف عام المنفعه خواهد بود عجلتاً در موضوع بودجه بلدیة مشغول هستیم و گمان میکنم در آتیة نزدیک بمجلس خواهد آمد این يك مسئله در باب سایر مسائل هم مشغول مطالعه هستیم که يك ترتیبات صحیحی داده شود و مخصوصاً نظردولت این است که قسمت اعظم عایدات صرف مسائل عام المنفعه از قبیل امور صهییه و خیریه و تأسیس مدارس مجانی شبانه روزی و ابتدائی تأسیس مدارس صنعتی بشود و حتی المقدور از اشخاص پشت میز نشین کاسته میشود اما در باب عوارض بلدی یک عوارضی سابقاً تصویب شده بود که در کابینه سابق یک تجدید نظری در باب عوارض شده و یک قسمت آن الفا شد و یک قسمت دیگر تصویب گردید فعلاً یک عوارضی از مردم گرفته میشود و از طرف آقای نظام الدوله اشاره شد باینکه عوارضی که بتصویب مجلس نرسیده چه صورتی دارد؟ راست است که بتصویب مجلس نرسیده ولی اگر بخواهیم این اصل را بموقع اجرا بگذاریم بلدیة بدون عایدی خواهد بود و آنوقت لازمه اش این است که بلدیة منحل بشود تا آن عوارض بتصویب مجلس برسد و گمان می کنم راه عملی این است که آن عوارض عجلتاً گرفته شود و بعد لایحه آن بمجلس پیشنهاد شود تا مجلس در آن باب نظر قطعی اتخاذ کند که امور بلدیة گردش کند تا وقتی که مجلس یک ترتیبی برای آن معین نماید بنابراین چون بنده این نظر را داشتم به وزارت مالیه دستور دادم که یک کمیسیون معین کند و این عوارض را در تحت مطالعه در آورد که بمجلس پیشنهاد شود تا هر طور مجلس رأی داد رفتار شود

نظام الدوله - فقط چیزی را که در خاتمه عرض میکنم این است که عوارض بلدی را مردم بیش از این حاضرند بدهند و هر چه هم فقیر باشند حاضر برای تأمین وسایل زندگانی خود هستند فقط حرف در این است که این پول بخرج و مصرف خود برسد و یگانه امیدواری که هست بهمان فرمایش آقای رئیس الوزرا است و امیدواریم آنچه هاید میشود بمصارف عام المنفعه برسد.

رئیس - سؤالات راجع بوزارت

داخله بازمستولی چون مدتی از شب گذشته میماند برای جلسه دیگر

معاون وزارت داخله - بودجه وزارت داخله در حدود اعتباری که مجلس تصویب کرده حاضر است و تقدیم میشود (به آقای رئیس تسلیم نمودند) **رئیس -** آقای فیهیم الملک (اجازه)

فیهیم الملک - در این چند روزه دریکی از روزنامه های محلی (نهضت شرق) شنیده شد که آقای آقا میرزا احمد خان آذری يك معلهائی نشان داده اند میتوانند از آن محلها منافع گرافی بدولت برسانند بعد در روزنامه دیگر دیده شد ایشان را کمیسیون بودجه خواسته اند و با ایشان مذاکراتی کرده اند و دوازده کروم محل تهیه کرده اند که بدولت برسانند آقای مخبر کمیسیون بودجه که تشریف ندارند بنده از سایر آقایان اعضاء کمیسیون که اطلاع دارند سؤال می کنم که اگر ممکن است نتیجه مذاکرات خودشان را بفرمایند که اگر واقعاً این مسئله صحت داشته باشد خدمت بزرگی شده و قابل تقدیس است و اگر صحت ندارد بی جهت بیهودمات اهمیتی داده نشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - چندی قبل راجع به موراتوریوم رایورتی بکمیسیون بودجه از آقای آذری رسید و يك اطلاعاتی از خودشان در آن رایورت ذکر کرده بودند و در نتیجه يك صورتی داده بودند و اظهار نموده بودند اگر بدقت رسیدگی شود تقریباً دوازده کروم هاید دولت میشود کمیسیون بودجه چنین تصویب کرده اند پنج نفر را انتخاب کنند و بدوسیه های وزارت خارجه و وزارت مالیه راجع باین رایورت مراجعه نموده و ببینند اظهاراتی که شده صحیح است یا خیر پنج نفر از کمیسیون بودجه انتخاب شد که یکی از آن پنج نفر بنده بودم دوسیه جلسه آن کمیسیون تشکیل شد دوسیه های وزارت خارجه و وزارت مالیه که در این باب بابانك مكاتباتی شده بود خواسته شد و چنین صلاح دیدند که خود آقای آذری هم در یکی از جلسات حاضر شود و راجع رایورتی که داده است مطابق آن دوسیه ها اطلاعات خود را اظهار کنند که کمیسیون بهتر بتواند نتیجه بگیرد در ضمن اظهاراتی که آذری در آن رایورت کرده بود و توضیحاتی که داده از دوسیه های وزارت خارجه و وزارت مالیه و زمینه اظهارات آقای آذری چیزی فهمیده نشد فقط بعنوان موراتوریوم هشتصد هزار لیره در مدت متمادی دولت گرفته است و همیشه بین دولت و بانك يك اختلافاتی بوده است و يك مكاتباتی رد و بدل میشده و در

تحت این عنوان که تقاضای دولت بعنوان موراتوریوم بوده و در ضمن يك مكاتباتی هم بود که عنوان موراتوریوم را دولتین قبول کرده اند ولی مشروط کرده بودند که باید از حدود سی هزار لیره در ماه تجاوز نکند و ماهی سی هزار لیره بکمدت معینی نادیه شده است کمیسیون مطابق تحقیقاتی که شد دیدیم بانك در ضمن این مدت نخواسته است عنوان موراتوریوم را اجرا کند و اظهار میکنند این وجهی که تا بحال بدولت میداده است بعنوان آوانس بوده باین معنی که در بعضی ماهها که هایدات گمرک هم معادل سی هزار لیره نبود اقساط قروض خود را ماه به ماه بر میداشته اند و در مقابل سی هزار لیره میداده اند ولیکن دولت ایران عنوان آوانس را قبول نکرده و تمام تقاضائی که میشده تقاضای موراتوریوم میشده است و در مكاتبات خودشان هم تصریح این مطلب را کرده اند به علاوه چیزیکه از دوسیه ها فهمیده شد دو قضیه بود که بعد از رسیدگی لابد باید به مجلس پیشنهاد شود یکی این است که در موقعی که بانك لیره را تسعیر میکرده و بدولت ایران در همان تاریخ میداده و لیره را که از بابت قروض خود بر میداشته است تفاوت قیمتی منظور شده یعنی در يك تاریخ لیره را که میداده و می گرفته است در قیمت آنها تفاوت می گذاشته اگر چه هنوز يك صورت رسمی بدولت ایران داده نشده و فقط از وزارت مالیه يك صورت غیر رسمی آورده اند و اظهار میداشتند که این صورت صورت رسمی نیست و از آن صورت غیر رسمی اینطور فهمیده شد و اختلاف قیمت لیره در آنجا مشاهده میشد يك اختلاف دیگری هم هست .

رئیس - اگر مفصل است بقیه این جواب بماند برای جلسه دیگر بعضی اظهار نمودند باید رایورت رسمی بدهند

حاج شیخ اسدالله - بلی مفصل است ولی بنده حاضرم هر وقت بفرمائید عرض کنم .

رئیس - خوب بود اول میفرمودید جلسه آتی روز سه شنبه دستور آن اولاً شور دوم قانون شورای عالی معارف ثانیاً رایورت کمیسیون فوائد عامه راجع بالعاق رود کارون بزیانده رود مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک

صورت مشروح مذاکرات

جلسه ۷۳ مورخه یوم سه شنبه سلخ جمادی الثانی (۱۳۴۰) مطابق (۹) برج حوت (۱۳۰۰)

مجلس دوساعت و نیم قبل از غروب

در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه (۶) حوت را آقای تدین قرائت فرمودند **رئیس -** مجلس با صورت جلسه موافق است یانه **آقای ارباب کیخسرو (اجازه)**

ارباب کیخسرو - در جلسه قبل که بنده راجع به جواهرات و ذخائر سلطنتی سؤال کردم مقصود جواهر و ذخائر دربار سلطنتی بود نه جواهرات و ذخائری که متعلق بشخص سلطنت است در صورتیکه در صورت مجلس مطلقاً کلمه سلطنتی نوشته شده است غرض بنده جواهرات دربار بود نه جواهرات شخص سلطنت **رئیس -** اصلاح میشود دیگر اعتراضی نیست ؟

(ایرادی نشد)

رئیس - صورت مجلس با آن یک فقره اصلاح تصویب شد يك لایحه راجع بقرار داد پستی بین ایران و افغانستان رسیده بکمیسیون پست و تلگراف مراجعه خواهد شد و فعالار پست کمیسیون معارف راجع بشورای عالی معارف مطرح است این شور شور دوم است فصل اول قرائت میشود

ماده اول از فصل اول را آقای سهام السلطان قرائت نمودند **ماده اول -** برای توسعه دوائر علوم و اشاعه معارف و فنون و رفع نقائص تحصیلات علمی و فنی شورای عالی معارف تشکیل می گردد و شعب آن در مرکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید .

رئیس - در این ماده مخالفی نیست ؟

شیخ الاسلام - اگر شور در کلیات است بنده در کلیات این قانون عراضی داشتم .

رئیس - شور در کلیات قبل از شور اول است و بعد از شور دوم معلوم میشود در ماده اول مخالفی نیست رأی میگیریم **آقای شیخ ابراهیم زنجانی -** در اینجا يك لفظ مرکز اضافه شود بهتر است چون نوشته شده است شعب آن در مراکز ایالات و ولایات خوب است اینطور نوشته شود شورای عالی معارف در مرکز تشکیل میگردد

مخبر - بنده چون تصور می کنم بعد از ذکر این عبارت که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات دایر خواهد شد مطلب معلوم میشود و گمان میکنم محتاج بذکر لفظ مرکز نباشد به علاوه شورای عالی معارف معمولاً در مراکز دایر میشود

رئیس - رأی می گیریم بماده اول آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند) **رئیس -** تصویب شد ماده دوم قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد) **هیئت شورای عالی معارف از ده نفر عضو رسمی بشرح زیر تشکیل میشود** یکی از مجتهدین جامع الشرایط و نفر از رؤسای مدارس عالییه و متوسطه و نفر از معلمین درجه اول مدارس عالییه و متوسطه و پنج نفر از دانشمندان مملکت **رئیس -** آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهادی کرده بودم که در این ماده تصریح شود بکنفر از ادباء جز این پنج نفر یا اضافه بر این پنج نفر در شورای عالی معارف باشد ولی جوابیکه آنروز آقای مخبر دادند (که دانشمندان در عین حال البته از ادباء خواهند بود) بنده را قانع نکرد چه خود بنده هم آنرا می دانستم ولی بواسطه اینکه یکی از وظایف مهمه مدارس مخصوصاً نظامنامه هائی که برای مدارس نوشته میشود يك قسمت عمده آن متوجه بادییات فارسی و عربی است .

بعقیده بنده مخصوصاً بکنفر ادیب در شورای عالی معارف باید باشد حالا یا در جزو آن پنج نفر دانشمندان یا بر آن پنج نفر اضافه شود و علت اینکه کمیسیون این پیشنهاد بنده را قبول نکرده و قابل توجه ندانست نفهمیدم چه بوده است

مخبر - از بیانات ناطق محترم همچو معلوم میشود که مقصود از این پنج نفر دانشمندان خاصی خواهند بود که عالم به ادبیات زبان فارسی نباشند و حال این که اینطور نیست . البته رعایت این نکته خواهد شد لیکن تخصیص با اسم لازم نیست برای اینکه زیاد صنفی میشود به علاوه شرط سوم از ماده چهارم بخوبی مسئله را ثابت و معزز می کند .

عین عبارت این است کلیه اعضاء شورای عالی معارف باید دارای شرایط ذیل باشند اول فلان دوم فلان سوم دارای معلومات و اطلاعات لازمه بوده باشند . بدیهی است مقصود از معلوماتی که در اینجا ذکر و قید شده یکی از آنها دانستن زبان فارسی و ادبیات فارسی و عربی است و البته تمام اعضاء منتخبه باید دارای معلومات فارسی و عربی باشند .

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - در این ماده این طور نوشته شده که هیئت شورای عالی معارف از ده نفر عضو رسمی بشرح ذیل تشکیل می شود .